

افشای معامله تسلیحاتی ۲/۵ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل:

فتح راه قدس به مدد اشغالگران قدس

* رفسنجانی، "اسلحه آمریکایی را از هر کجا که بتوانیم، تهیه می کنیم"
* ژنرال صهیونیست و قاتل مردم لبنان، نامین کننده اسلحه رژیم خمینی

می توانند گوشت دم توپ شوند. روزنامه های رژیم این تایید تلویحی ماجرای معامله تسلیحاتی با آمریکا و اسرائیل از زبان موسی را به عنوان واکنش وی در برابر گزارشهای منتشره در این باره، چاپ کردند.

ماجرای، وقتی علنی شد که کمرک ایالات متحده، به هر دلیلی که بود، اعلام کرد یک شبکه قاچاق اسلحه و صدور جنگ افزارهای آمریکایی به جمهوری اسلامی را کشف کرده است. رئیس این شبکه، ژنرال "آبراهام بارام"، افسر بازنشسته ارتش اسرائیل است که تا سال ۱۹۸۴، در ارتش شمال صهیونیستها، یعنی در جبهه سرکوب و کشتار مردم لبنان، فعالیت می کرده است. ارزش سلاحهایی که قرار بوده در ۵ مرحله به رژیم خمینی تحویل گردد، ۲ میلیارد دلار و سود خالص پانزده نفره مزیور از کیسه ثروت های ملی ایران، ۵۰۰ میلیون دلار بوده است. تا قبل از

هفته گذشته، بدنیال افشای معامله تسلیحاتی ۲/۵ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی با یک پانزده اسرائیلی - آمریکایی برای تهیه جنگ افزار آمریکایی، سران رژیم خمینی تلویحا موضوع را تایید کردند. رفسنجانی رئیس مجلس فقها و نماینده خمینی در "شورای عالی دفاع" در نمایش جمعه ۵ اردیبهشت با وقاحت گفت: "ما البته اسلحه آمریکایی را از هر کجا که بتوانیم، تهیه می کنیم، بخاطر اینکه هواپیماها و بسیاری از موشکها و سیستم توپخانه ما آمریکایی است. و ما در طول جنگ توانسته ایم وسایل مورد نیاز را تهیه کنیم و امروز هم اگر یک هواپیما و موشک آمریکایی پیدا کنیم، آن را می خریم. و این میاهو برای ما عیب نیست. موسی، نخست وزیر خمینی در سخنرانی برای یکی از گروه های اعزامی به جبهه گفت "نبرد رزمندگان اسلام به اسلحه نیست" و تلویحا آنها را "دلداری" داد که بدون ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه ای که تحویل آن به هم خورده است نیز



دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ - برابر ۵ مه ۱۹۸۶
به ۶۰ ریبال - سال سوم - شماره ۱۰۵

اردوگاه های ویژه: ارمغان تازه رژیم ولایت فقیه برای زنان

در هفته های اخیر رژیم جمهوری اسلامی بمنظور غلبه بر مقاومت زنان در برابر خواستهای فوق ارتجاعی حکومت، طرحها و لویح تازه ای را تنظیم کرده و مجازاتهای هولناکتری را در نظر گرفته است. همه نشانه ها حاکی از آنست که رژیم فقها در تدارک یک یورش همه جانبه جدید علیه زنان رنج دیده میهن ماست. طرحها، لویح و مجازاتهای تازه از جمله اقداماتی است که بمنظور انجام این یورش و تحمیل آن خواستها وضع شده است.

سخنکوی شورای عالی قضائی در روز ۲۷ فروردین ماه اعلام کرد که در نظر است مجازات سنگسار کردن که در لایحه قصاص پیش بینی شده است و سیعادر مورد زنان بخاطر عدم مراعات تئون و رسوم مذهبی بکار گرفته شود. همزمان با این سخنان مذبوحات دولتی مواردی چند از اجرای این مجازات هولناک را گزارش کرده اند.

در روز ۱۲ اردیبهشت ماه هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم نماز جمعه اعلام داشت که "شورای عالی قضائی لایحه ای را تنظیم کرده تا پس از تصویب بقیه در صفحه ۲

بسیج عمومی برای کشتار بزرگ

بسیج کارکنان دولت صادر شد. این بخشنامه کلیه کارکنان دولت را موظف به گذراندن دوره هایی می سازد که منظور از آن اینگونه اعلام شده است، "آشنایی کارکنان با فرهنگ جبهه و آمادگی رزمی آنان در جهت کسب تواناییهای لازم در دفاع از کشور"، این کارمندان بعنوان واحدهای بسیج سپاه پاسداران سازماندهی خواهند شد. آموزش نظامی همگانی و بسیج کارکنان دولت کام بلند دیگری در جهت اعزام گسترده تر کارمندان به جبهه های جنگ است. قبل از آن نیز دستورالعمل انتشار نیافته نخست وزیر برای اعزام بیست درصد از کارکنان ارگانها و موسسات، به جبهه های جنگ صادر شده بود. به دلیل نبود داوطلب برای رفتن به جبهه، اجرای این دستورالعمل در بسیاری واحدها به انجام قرعه کشی از میان کل شاغلین یک واحد انجامید که صحنه های رقتباری را نیز در پی داشته است. نمونه هایی از آنها در نامه درج شده در صفحه ۲ مشاهده می کنید.

حکومت خمینی تشنگی ویژه ای نسبت به خون کارگران دارد. تمام تلاش رژیم در روزهای اخیر و بویژه در روز اول ماه مه معطوف به ست دهی این روز در جهت بسیج و اعزام کارگران به جبهه های بی بازگشت جنگ بود. شعار حکومت در این روز برای کارگران آن بود که باید "عرق جبینشان با خون شهدا در جبهه ها همجوار شود."

لی بخشنامه ای از سوی معاون نخست وزیر بقیه در صفحه ۲

رژیم خمینی به بسیج دیوانه وار نیرو پرداخته است. حکومت همچنان برای به کشتن دادن بخش دیگری از مردم کشور و برای انجام ماجراجویی های جدید نظامی، از میان افشار مختلف مردم نیرو جمع آوری کرده و به جبهه های جنگ اعزام می دارد. این بسیج در ابعاد وسیع و با استفاده از تمامی اهرمهای قابل بکارگیری توسط جمهوری اسلامی، فریب، غافلگیری، اجبار، اعمال فشارهای اجتماعی و مجازات، استفاده از فقر و وحشتناک و ایجاد انگیزه های مادی و... صورت می گیرد.

نمونه هایی از اقدامات حکومت برای بسیج و اعزام بخشهای مختلف مردم را در زیر می آوریم. در تاریخ ۶ اردیبهشت از سوی نخست وزیر جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرایی آموزش نظامی و

روز جهانی کارگر و جمهوری اسلامی

کارگر روز تبلیغات جنگ طلبانه باشد، طبیعی است که سرپرست "بنیاد شهید" را به عنوان سخنران مراسم مربوطه برگزینند. او در سخنرانی خود از کارگران خواست دم از "مشکلات" نزنند و تنها به جنگ بپنندیشند. در پایان مراسم هم قطعنامه ای قراش شد. در این قطعنامه خواسته شد که خط تولید کارخانه ها عوض شود و صنایع کشور فقط سلاح جنگی تولید کنند! ظاهرا مراسم حکومتی امسال با سال گذشته و سالهای پیش از آن تفاوتی ندارد. در مضمون واقعا تفاوتی ایجاد نشده است اما در فرم چرا. مراسم سال گذشته را در ورزشگاه آزادی برگزار کرده بودند که خالی مانده بود. امسال با بهره گیری از آن تجربه به ورزشگاه کوچکتر امجدیه اکتفا نمودند.

بقیه در صفحه ۷

در جمهوری اسلامی نیز روز جهانی کارگر برگزار شد و طبیعی است که با چه مضمونی. در آستانه این روز طبق معمول هر ساله وزارت کار اعلام کرد که روز جهانی کارگر تعطیل نیست. کنترل حضور و غیاب در این روز جدی تر گرفته شد. از چندین کارخانه عده ای از کارگران را تحت الحفظ به ورزشگاه امجدیه (شیرودی) بردند تا در مراسمی شرکت داده شوند که مضمون آن جنگ و جنگ طلبی بود. رفسنجانی برای این مراسم پیام فرستاد. وی طبق معمول وقیحانه مدعی شد که در هیچ کجا کارگران آن منزلت را ندارند که در جمهوری اسلامی دارند و منزلتشان این است که "عرق جبینشان با خون شهدا در جبهه ها همجوار می شود!" کروی سرپرست "بنیاد شهید" گرداننده اصلی این مراسم بود. وقتی که روز

ما را اگر نه خود را دوست ندار
شعری از هاشمی
در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه اول

بسیج عمومی برای کشتار بزرگ

"اعزام متمرکز نیروهای متخصص خدماتی و ورزنده کارگری" به موجب تصویبنامه هیات وزیران ابلاغ شده است.

در موج جدید تبلیغات به نفع جنگ و اعزام نیرو به جبهه‌ها، سخنان اخیر خمینی در مورد ضرورت شرکت مستقیم زنان در جبهه‌ها، جایگاه و نفرت انگیزی ویژه‌ای داشت. در شرایطی که ابتدایی‌ترین حقوق زنان ایران لگدکوب این حکومت تبهکار و مرتجع است و تلاش می‌شود زنان از تمامی صحنه‌های اجتماعی به کنج خانه‌ها رانده شوند؛ رهبر مرتجعین ندای شرکت هر چه گسترده‌تر زنان در جبهه‌ها را صادر. این امر خشم و نفرت خاصی را در میان افکار بشريت پيشرو که مسایل ایران را دنبال می‌کنند برانگیخت. در همین شماره نمونه‌هایی از آنها را با زتاب داده‌ایم.

در جمهوری اسلامی هم پا پا صدور پخشنامه، نطق و خطابه و تبلیغات گسترده برای جذب نیرو؛ شدیدترین اقدامات عملی و اعمال فشارها انجام می‌گیرد. جوانان از خیابانها، کلاسهای درس، سینماها، کارگاه‌ها، مراکز تجمع شهرها و از روستاها روبرو شده و فوراً به جبهه‌ها اعزام می‌گردند. برای ربودن جوانان دائماً روشهای جدیدی ابداع می‌شود. دستگیریهایی خیابانی و شیوه‌هایی

چون محاصره ناکهانی چندین کلرگاه در تهران و سایر شهرها بسیار گسترده است. نمونه زیر که برای ما گزارش شده است، در این زمینه بسیار گویاست؛

جوانی به دلیل قیافه ظاهری و سنش بیش از ۱۲ بار در بکیرو ببندهای خیابانی در تهران دستگیر شده بود، این جوان به دلیل داشتن مدارک کافی امکان می‌یافت پس از چند ساعت از دست "سربازبگیر"های خمینی رهایی یابد.

در بسیاری روستاها پرورش‌های گاه به گاه مامورین برای جلب سرباز، جوانان را آواره کوه و دشت ساخته است.

مخفی ساختن جوانان مشمول جلوه گسترده‌ای از مبارزه و مخالفت مردم با جنگ و رژیم جنگ طلب خمینی است.

در مراکز آموزشی، رژیم مجبور است با ظاهرسازی بیشتری اهداف پلید خویش را سازمان دهد. در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از مدتی پیش همپا با تبلیغات گسترده جهت کشاندن دانشجویانی به جبهه‌ها، برای به تعطیلی کشاندن مجدد این مراکز زمینه سازی‌هایی صورت پذیرفته است. می‌کوشند حضور در جبهه‌های جنگ را اجباری و بعنوان بخشی از



می‌داند که حداقل زخمی خواهد شد نوجوان گروه خویش را روی کلاهش نوشته است.

دروس آموزشی، تحمیل و تثبیت نمایندند. در این مورد طی نامه‌هایی، سازمان دانشجویان پیشکام نگرانی خویش را به اطلاع سازمانهای بین‌المللی جوانان و دانشجویان رسانده و از آنان برای مقابله با این توطئه‌های جمهوری اسلامی یاری جسته است.

در مراکز آموزشی برای اعزام و با اعزام مجدد افرادی که در چارچوب فکری و اعتقادی حکومتیان قرار دارند تبلیغات ویژه‌ای صورت گرفته و امتیازات مخصوصی در نظر گرفته شده است. برای این افراد بر در و دیوار این مراکز "استفتائات" زیر چسبیده شده است؛

سوال، آیا زمانی که احتیاج به رفتن به جبهه هست بر مسلمین واجب است که بروند؟

جواب؛ بله

سوال، آیا وقتی اطمینان

نداریم که آیا در جبهه‌ها به اندازه کافی نیرو هست یا نه واجب است که مسلمین بروند؟

جواب؛ بله واجب است.

سوال، آیا در این شرایط اجازه پدر و مادر لازم است؟

جواب؛ خیر اجازه پدر و مادر شرط نیست.

در مدارس شیوه‌های ربودن و به کام مرگ فرستادن دانش‌آموزان بر فریب، شستشوی مغزی، ایجاد تسهیلات آموزشی، استفاده از خصوصیات سنی و ویژگیها، روانی دوران نوجوانی و... استوار است. کشتار گسترده دانش‌آموزان در جبهه‌های جنگ از سیاه‌ترین صفحات کارکرد حکام خون آشام و پلید جمهوری اسلامی است. در این زمینه اکرمی وزیر آموزش و پرورش رژیم گفت؛

"بعد از سال ۶۲ این احساس به وجود آمد که آموزش و پرورش بیشتر باید به جبهه‌ها بپردازد ما در سال ۶۴ فعالیت‌های بسیاری داشتیم. از جمله تسهیلاتی برای تحصیل رزمندگان قابل شدم. ... در سال ۶۴، بیش از ۱۰۰ هزار دانش‌آموز و ۲۰ هزار نفر از کارکنان و معلمان وزارت آموزش و پرورش به جبهه‌های جنگ اعزام شدند همچنین از دانشجویان مراکز تربیت معلم تاکنون نزدیک به ۸ هزار نفر در جبهه‌ها شرکت کرده‌اند." (اطلاعات ۲۵ فروردین)

سازمانهای زنان هندوستان: فرمان اعزام زنان ایرانی به جنگ باید لغو گردد

صدور فرمان خمینی مبنی بر شرکت مستقیم زنان در جبهه‌های جنگ، خشم و نفرت گسترده‌ای را در زنان پیشرو جهان پدید آورد. این نفرت به ویژه متوجه این واقعیت است که تنها حقی که زنان در جمهوری اسلامی دارا هستند حق کشته شدن در جبهه‌های جنگ است. دو اعتراضیه زیر نمونه‌هایی از بروز این نفرت را نشان می‌دهد.

اعتراض

فدراسیون ملی زنان هند

فدراسیون ملی زنان هند با تخرانی فراوان از آخرین فرمان‌های رژیم خمینی علیه زنان مبنی بر اعزام اجباری آنها به جبهه جنگ اطلاع حاصل نمود.

جنگ بی‌معنی ایران و عراق ضربات ناگفتنی بسیاری بر زنان ایران که شجاعانه علیه سیاست ادامه و گسترش دامنه این جنگ مبارزه می‌کنند، وارد آورده است.

ما از احساسات عمیق و

مبنی بر شرکت زنان در جنگ برای تقویت مردان در جبهه جنگ شوکه شدیم. ... ما تقاضا داریم که این تصمیم رژیم خمینی برای شرکت زنان در جنگ هر چه زودتر منتهی شده و صلح برقرار گردد.

... رژیم خمینی سعی بر آن دارد که جنش رو به رشد زنان علیه جنگ را سرکوب کند دستگیری زنان در سال گذشته و زندانی کردن آنها، خود نشانگر تلاش رژیم برای تحت فشار قرار دادنشان با دست آهنین است. ما قاطعانه اعتراض خود را علیه این اقدامات اعلام می‌کنیم. و تقاضا داریم که این اقدامات متوقف و زندانیان آزاد گردند و تمام کوشش‌ها برای پایان بخشیدن به جنگ و برقراری صلح در کشور به کار گرفته شوند.

سوشیلا گوپالان

دبیرکل انجمن دمکراتیک زنان

هند

خواسته‌های مردم ایران برای رسیدن به صلح و خاتمه جنگی که فشار سنگین آن بر دوش زنان و خانواده‌هایشان است، کاملاً پشتیبانی می‌کنیم. ما همچنین نگران آنیم که رژیم از این جریان برای انجام اقدامات بیشتر علیه مبارزات زنان در بدست آوردن حقوق‌شان و صلح استفاده کند.

ما از دولت ایران می‌خواهیم که هر چه سریع‌تر این فرمان‌ها را لغو سازد و به خاطر منافع مردم ایران به منظور پایان بخشیدن به این جنگ بی‌معنی گام‌های مثبتی بردارد.

ویملا فاروقی

دبیر کل فدراسیون ملی زنان

هند

نامه اعتراضی

انجمن دموکراتیک زنان هند

به، رئیس مجلس جمهوری اسلامی ایران

ما از شنیدن خبر اعلام خمینی

از میان نامه‌ها

قرعه مرگ

"برای هر اداره‌ای جهت اعزام اجباری کارکنان به جبهه سمیه‌ای اختصاص داده‌اند ده درصد کارمندان دولت و بیست درصد فرهنگیان باید به جبهه‌ها بروند. برای اجرای این فرمان، در ادارات تیریز فرم‌هایی پخش شده است. همه کارمندان موظفند با پر کردن این فرم‌ها موافقت خود را برای رفتن به جبهه اعلام نمایند. در پی آن پاسداران به ادارات می‌روند و قرعه کشی می‌کنند، قرعه به اسم هر کسی افتاده، وی را با سلام و صلوات راهی میدان مرگ می‌کنند.

در بیمارستان "اسدآباد" قرعه به اسم شخصی افتاد که نه بچه دارد. او در حیاط بیمارستان زارزار گریه می‌کرد و این در حالی است که بیشتر بیمارستان‌های شهر با کمبود پرسنل، خصوصاً پرستار و بیبار و بروهستند.

در بانک مسکن قرعه به اسم یکی

بقیه در صفحه ۹

ما را اگر نه ، خود را دوست بدار

ترک گفتیم دیار خاموش را
باگریه بی شادمانه
به زاد روز خویش
آرزومند عطر خوششان بودم !
وانگه
از مهربانترین آغوش
و سپیدترین چشمه
و آبی ترین سفوفنی
- به میان شما آمدم
خواهان شادی چهره تان بودم !

به هم بر آمده ایم
به سان رشته های نور
که در تاه !
رشته بی باش
تو هم !
خوشه صد اهامان را
در نهر زمان فرو برده ایم
آوایی باش
تو هم !
جویبار ، جویبار
به پای درخت زندگی فرو شده ایم
قطره بی باش
تو هم !

زمین را
هدیتهای بوده ایم ما
از میان این همه ستاره و خورشید
زمین را
ارمغانی بوده ایم ما
کهکشان ها را اگر نه
ستاره خود را دوست بدار
که فرجامین لرزه
ستارگان راهمه فرو خواهد ریخت .
مدارها ، از آن ستارگانند
تنها مدار عشق ، ما را پس !
ما را اگر نه
محبوب خود را پس بدار
که مرکب تاریک ، اورانیز
به لاشه های متعفن بدل خواهد کرد !

زمین
بی دریغم
به دامن گرفت
و درختان
بوسه میوه هاشان را
به دهانم فشردند
پذیرایم بودند همه
چه سنگ های خفته در خواب چشمه ها
چه شهرهای گمشده
در خاطره دریاها
چه آهنگ دل دوشیزگان !
پذیرایم بودند همه
مگر تو !
که ویرانی زمین را انتظار می کشی .
ما را اگر نه
خود را دوست بدار !
کز خاکستر تو نیز خواهد گذشت چنگ .

زمانه ، سرخ
قلب ها ، آبی
و عشق ها ، سرخابی اند
رنگ زمانه را اگر نه
آبی دلها را باور کن
که ویرانی بزرگ
همه رنگ ها را در خواهد نوشت !
مگو
از جنگ با من مگو
خشتی بیار !
برین عمارت تاریخی
یکی کنگره تازه می خواهیم افزود
می خواهیم سحر انگیزترین سرودها باشیم
واژه بی باش
تو هم !

گرهی میان دو نگاه
لبخندی میان دو پنجره
بهاری در فاصله فصول
زمانه سرخ
دل ها ، آبی
عشق ها ، سرخابی اند
باور بدار !
و درین باغ
شاخگلی اگر نه
لبخندی باش توهم
که ماهمه بدین خاطر زاده شدیم
و ترک گفتیم آغوش مادر را .

مانی
آذرماه ۶۴

اردوگاه های ویژه : ارمغان تازه

بقیه از صفحه اول

زنان بد حجاب به اردوگاههایی برای بازسازی و آموزش اعزام شوند و خرج آنها به عهده خودشان است و دولت در این مورد هزینه ای را تحمل نخواهد کرد .
رژیم سر تا پا فساد خمینی ؛ رژیمی که چند همسری را مجاز می داند و قانونی کرده است و تبلیغ می کند ، رژیمی که وقیحانه فحشا را تحت نام صیغه رسا مجاز دانسته است و با بهره گیری از همه توان خود می کوشد آنرا رواج دهد ؛ رژیمی که بسیاری از سرکردگانش در اندرونی عمارات خود با زنان صیغه و عقدی حرم سرا بر پا ساخته اند ، رژیمی که هرزگی ابیادی و وابستگیش را حتی رسانه های دولتی نیز نمی توانند کتمان کنند . پیشروان با انتساب تهمت فساد به زنانی که چند تار موی سرشان پیدا باشد ، آنان

را مستوجب اشد مجازات می نامد . بزم این رژیم تبیکار ، زنان میهن ما و همه زنان جهان " فاسد " هستند . از اینرو باید تمامی آنان در اردوگاههای مخصوص زندانی شوند . در اینکه رژیم ولایت فقیه در اجرای این طرحهای ردیبلانه و بربرمنشانه جدی است ، نباید تردید کرد . سال گذشته در همین ایام بود که اوپاش مزدبگیر رژیم و گروههای مسلح پاسدار سپاه و کمیته در خیابانهای شهرهای کشور شترقوی بر پا کردند . این دستجات سپاه هفتمه های متوالی به سیعانه ترین وجهی زنان را مورد اذیت و آزار قرار دادند . تیغ برایشان می کشیدند ، لباسهایشان را از هم می دریدند و بیاینحوی هیستریک آنان را زیر مشت و لگد می گرفتند . در بورس سازمان یافته سال گذشته ، عده ای از زنان کشته و تعداد بسیاری مشروب و مچروج شدند . شمار کسانی که دستگیر و با انتساب اتهامات ناشایست روانه سپاهچالها گردیده بودند ، هرگز معلوم نشد .

آن بار اگر چه با تشدید انزجار عمومی از اینگونه تبیکاریها و آشکار شدن نشانه های مقاومت جمعی در برابر آن ، رژیم ناچار گردید از دامنه آن بکاهد ، اما هیچگاه از شدت فشار بر زنان کاسته نشد . در تمام طول سال گذشته چه بخاطر حجاب و چه با هر بهانه دیگر کوشیده شد زنان را بازم محدودتر و عرصه حضور آنان را در حیات اجتماعی هر چه تنگ تر نمایند .
در برابر این همه فشار زنان میهن ما نشان دادند که به هیچ و تسلیم قیودات بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی نخواهند شد . زنان و مردان فرمیخته میهن ما با سر سختی در برابر تحمیلات بربر منشانه رژیم فقها مقاومت کرده و پایداری نشان داده اند .
طرحهای اخیر جمهوری اسلامی و از جمله طرح جنون آمیز و جنایتکارانه برپائی اردوگاه بمنظور در بند کشیدن زنان ، از سوئی نشان دهنده اوج وحشیگری و ردالت سرکردگان رژیم و

از سوی دیگر نشانه ناتوانی آنان در غلبه بر مقاومتی است که در برابر خود می بینند ، بیگمان رژیم برای چیره شدن بر این مقاومت از توسل به هیچ دناثتی ابا نخواهد داشت . اردوگاهها و زندان های تازه ای را ویژه زنان در کنار اردوگاهها و زندانهای پیشمارش بر پا خواهد ساخت . اما غلبه بر مقاومت زنان و کل مردم ایران ناممکن خواهد بود .
پشتیبانی از این مقاومت دلبرانه و وظیفه ای است که برای هر انسان شریف و مبارز درنگ ناپذیر می باشد . ایرانیان آزاده و مترقی در خارج از کشور با افشای بی امان اعمال شنیع رژیم قرون وسطائی خمینی در روانه ساختن زنان به اردوگاهها و با افشای هر چه گسترده تر توسل رژیم به سنگسار کردن زنان در نزد افکار عمومی جهان و در مجامع بین المللی می توانند نیروی موثری را در حمایت از مبارزه زنان میهن و کل جنبش خلق بسیج نمایند . برای بسیج این نیرو همه امکانات را باید بکار گرفت .

سفر ناگهانی خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان

هفته گذشته خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم، به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد. رادیوی دولتی رژیم هدف از این سفر ناگهانی خامنه‌ای را، بررسی مشکلات این استان اعلام کرد. خامنه‌ای در اولین روز دیدار خود از این استان، در زاهدان اعلام کرد که "هدف از این سفر تجدید عهد با مردم این استان" بوده است. بدین ترتیب رژیم کوشید تا علت سفر خامنه‌ای به استان سیستان و بلوچستان را بسیار عادی و ساده جلوه دهد. اما در گزارشات خبری بعدی که از رسانه‌های دولتی پخش شد، آشکار گردید که هدف از سفر رئیس جمهور رژیم به سیستان و بلوچستان، مقابله با "کسانی است که شرارت می‌کنند". خامنه‌ای طی سخنرانی‌های خود در زاهدان و ایرانشهر، خلق یلوج را به خاطر ابراز مخالفت با جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار داد. وی همچنین کوشید تا با تکرار وعده و وعیدهای دائمی رژیم درباره گسترش فعالیت‌های عمرانی در استان پلانکشیده سیستان و بلوچستان، مردم محروم این استان را بفریبید.

دیدار جمعی مسئولین نظامی رژیم خمینی

هفته گذشته رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع، محسن رضایی فرمانده سپاه، سرهنگ سهرابی، ناخدا ملک زادگان و سرهنگ صدیق فرماندهان نیروهای سدگانه ارتش، همچنین حسن روحانی رئیس کمیسیون دفاع مجلس و سرهنگ جلالی وزیر دفاع به همراه گروه دیگری از فرماندهان نیروهای نظامی رژیم، با خمینی ملاقات و گفتگو داشته‌اند. رادیوی دولتی به خیر فوق‌سند کرده‌اند و مضمون این جلسه اطلاعی منتشر نداشت. ولی شرکت یکپارچه مسئولین عالی‌رتبه نظامی جمهوری اسلامی در این جلسه حاکی از اهمیت مسائل مورد بررسی بوده است. رفسنجانی در این دیدار ضمن تأکید و اشاره بر "کاروانهای راهیان کربلا"، تصریح کرد که در آینده رژیم در صد انجام یک حمله "فراموش نشدنی" می‌باشد.

اعتراض کویت

به مصادره کشتی "ابن الپیطار"

هفته گذشته دولت کویت با ارسال نامه‌ای خطاب به سازمان ملل متحد نسبت به مصادره کشتی "ابن الپیطار" توسط جمهوری اسلامی شکایت و اعتراض کرد. مقامات دولتی رژیم اسلامی در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری اعلام داشتند کشتی ابن الپیطار را که ماهیست در تصرف دارند، رسماً بفتح جمهوری اسلامی مصادره کرده‌اند. جمهوری اسلامی مدعی است که کشتی فوق‌الذکر در موقع مصادره تحت مالکیت عراق قرار داشته است. این ادعای رژیم اسلامی، از سوی کویت تکلیف شده است. در نامه دولت کویت به سازمان ملل تصریح شده است که کشتی فوق‌الذکر در مالکیت یک کنسرسیوم عربی، که دفتر مرکزی آن در کویت قرار دارد، می‌باشد.

طرح نظام ارتش تغییر می‌کند

فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی در مرکز پدافند هوایی اعلام کرد که طرح نظام جدید ارتش آخرین مراحل خود را در مجلس شورای اسلامی می‌گذراند. وی متذکر شد که این طرح بزودی تصویب و اجرا خواهد شد. فرمانده نیروی هوایی به پرسنل مرکز یاد افتد یادآور گردید که این طرح پیش از پایان سال جاری در نیروی هوایی به اجرا در خواهد آمد. لازم به تذکر می‌باشد که روزنامه کیهان مورخه ۴ اردیبهشت که خبر فوق را منعکس ساخته است، هیچگونه اطلاعی از مفاد و موضوع این "طرح نظام نوین ارتش" ارائه نمی‌کند.

تحلیل نظم سربازخانه‌ای بیرادارات دولتی

رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی اعلام کردند که از این پس کلیه مسئولان ادارات کرج روزهای دوشنبه هر هفته با پوشیدن اونیفورم نظامی در سرکار خود حاضر می‌شوند. گفته می‌شود که رژیم در صدد است در دیگر شهرهای کشور نیز بر مسئولین و کارکنان ادارات دولتی اونیفورم نظامی بپوشاند. این اقدام بیانگر تلاش رژیم برای میلیتاریزه کردن حیات اجتماعی می‌باشد. رژیم که برای بسیج و اعزام هر چه گسترده‌تر نیرو به جبهه‌های جنگ، به تبلیغات گسترده‌ای متوسل شده است، با دست زدن به این گونه اقدامات می‌کوشد تا با نظامی کردن محیط‌های اداری و آموزشی و ایجاد رعب بر مخالفت و اعتراض عمومی علیه جنگ غلبه کند.

دانشجویانی که در جبهه حضور یابند مردود نمی‌شوند!

در تبلیغات گسترده رژیم برای جذب و اعزام دانشجویان به جبهه‌های جنگ، از سوی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، آئین‌نامه‌ای ابلاغ شد. بر اساس این آئین‌نامه امتیازات ویژه و معینی برای دانشجویان که حضور در جبهه‌ها را بپذیرند در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب که دانشجویان اعزامی به جبهه‌ها در صورت مردود شدن در امتحانات خود، اولاً نمره مردودی در کارنامه آنان قید نخواهد شد، ثانیاً مدت زمان ترم مذکور، جزء دوران تحصیل آنان بشمار نخواهد رفت و ثالثاً همه گونه تمهیدات و از جمله امتحانات مکرر، و ترم‌های فشرده در خدمت آنان خواهد بود تا بالاخره، زمینه دادن نمره قبولی به آنان فراهم شود.

۱۰۰ هزار دانش آموز در جبهه

اکرمی وزیر آموزش و پرورش طی یک مصاحبه مطبوعاتی تکان دهنده، فاش ساخت که تنها در سال ۶۴، بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز به قتلگاه جنگ اعزام شده‌اند. وی که بدین طریق می‌کوشید تا میزان مشارکت این وزارتخانه را در جنگ به نمایش بگذارد، اعلام نکرد که از این تعداد دانش آموز اعزامی، چه تعداد در جبهه‌ها کشته و مجروح شده‌اند. اکرمی همچنین بخشی از برنامه‌های جدید این

وزارتخانه را برای اعزام گسترده‌تر نوجوانان به جبهه اعلام داشت. اخبار رادیوی دولتی جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲ اردیبهشت ماه اعلام کرد که گروه دیگری از دانش آموزان و فرهنگیان کشور، بزودی به جبهه‌ها اعزام خواهند شد.

چند خبر از جبهه‌های جنگ

فرارگاه خاتم الانبیا، که فرماندهی عملیات نظامی رژیم را در منطقه والفجر ۸ بر عهده دارد، هفته گذشته اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی در سه محور فار-بصره، فاو-النهار و شمال دریاچه نمک، اقدام به یک تهاجم وسیع جدید نموده‌اند. بر اساس اخبار منتشره از سوی رسانه‌های دولتی، رژیم جمهوری اسلامی مدعی شده است که طی این عملیات بیش از ۵۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته و زخمی شده‌اند. رژیم همچنین خبر سقوط دو فروند هواپیما و انهدام ۱۰ تانک عراق را نیز گزارش کرده است. از سوی دیگر روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه، رادیوی دولتی جمهوری اسلامی خبر از یک حمله جدید در منطقه عملیاتی فکه داد. ستاد مشترک اعلام کرد که طی این حمله وسیع بیش از ۲۰۰۰ تن از نیروهای عراق کشته شده‌اند! این در حالی است که رژیم عراق اعلام کرده است که حمله اخیر جمهوری اسلامی را در فکه خنثی ساخته و ۲۷۰۰ تن از نیروهای ایران را کشته است.

در هفته گذشته عراق همچنین اعلام کرد که نیروی هوایی آن کشور طی چند نوبت مواضع نظامی جمهوری اسلامی و از جمله مواضع نظامی رژیم را در باختران مورد حمله قرار داده است. اما ستاد تبلیغات جنگ رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرد که آماج حمله هوایی اخیر رژیم عراق، مناطق مسکونی باختران و روستای رحیم آباد بوده است. ستاد تبلیغات جنگ طی نامه اعتراضی خطاب به سازمان ملل متحد، اعلام کرده است که حمله عراق به باختران دهها کشته و زخمی برجای نهاده است.

مالیات منبع اصلی درآمدهای دولت

ایروانی، وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی طی یک سخنرانی، ضمن اشاره به کاهش قیمت نفت، اعلام داشت که تأکید باید روی درآمدهای مالیاتی باشد. وی که در "سینار سراسری امور اقتصادی استانها" سخن می‌گفت درباره میزان مالیاتهای وصول شده در سال ۶۴ گفت: "سال گذشته از نظر وصول مالیات سال خوبی بود. بطوری که ۴۰ درصد درآمد دولت از منابع مالیاتی تأمین شد."

ایروانی فاش ساخت که این افزایش درآمد مالیاتی در سال گذشته عمدتاً معلول افزایش عوارض گمرکی و مالیات بر فروش و واردات بوده است. وی افزود که در مقابل مالیات مشاغل علیرغم آنکه در بودجه سال ۶۴ معادل ۱۵۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود، بیش از میزان ۲۶ میلیارد ریال وصول نشده است.

اعتصاب کارگران در نیروگاه شیراز

کارگران پست چهار صد کیلو واتنی شیراز به منظور اعتراض به اعمال مسئولین شرکت و وضع بد غذا و اواخر بهمن ماه دست به اعتصاب زدند.

پست چهار صد کیلو واتنی شیراز از ۲ سال پیش شروع به کار کرده و اکثریت کارکنان آن به صورت قراردادی هستند. کارگران این شرکت چهار دسته‌اند. کارگران ساده، دکل‌بندها، وایرینگ‌ها و کارگران گروه ارت.

این شرکت نیز همانند دیگر شرکت‌ها هر دو سه ماه یکبار کارگران را برای اینکه سابقه کار رسمی پیدا نکنند و شرکت مجبور به پرداخت حق بیمه و دیگر حقوق کارگران نشود با پهنه‌هایی از قبیل نبودن کار، وسایل مورد نیاز و غیره اخراج می‌کند و پس از چند روز همین کارگران اخراجی را از آنجا که در کار خود با تجربه هستند و بهره‌دهی بیشتری برای شرکت دارند به سرکار فرامی‌خوانند. برای نمونه در بهمن ماه ۶۲ تعداد ۴۰ نفر از کارگران را اخراج کردند و پس از بیست روز دوباره آنها را به سرکار دعوت کردند. و یا در آذرماه سال گذشته ۲۰ نفر را به همین ترتیب اخراج نمودند.

مسئولین شرکت در پاسخ به اعتراض کارگران به این گونه اعمال می‌گویند، از بالا به ما دستور داده‌اند که با کارگران چنین رفتار کنید، اضافه کاری و حقوق کمتری بدهید و راندمان کار را نیز بالا ببرید. در اعتراض به این تضحیقات و وضع بد غذا بود که در روز ۲۰ بهمن ۶۰ نفر از کارگران از خوردن غذا امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران تا رسیدن به خواسته‌هایشان ادامه یافت.

اعتصاب در کارخانه پاف ناز

در دی ماه کارگران کارخانه پاف ناز اصفهان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در پی مخالفت مدیریت کارخانه (دروگر) با پرداخت حق افزایش

تولید به کارگران صورت گرفت. اعتصاب کارگران به مدت ۲ روز از ۱۱ تا ۱۳ دی ادامه داشت.

مدیریت کارخانه که ابتدا با خواست کارگران مخالفت می‌کرد. در پی اعتصاب ناچار گردید با نمایندگان کارگران به گفتگو بنشیند و با خواست آنها مبنی بر پرداخت سود سالیانه موافقت کند.

بازرسی بدنی دانشجویان

به منظور جلوگیری از فعالیت دانشجویان انقلابی، کنترل پلیسی رژیم در دانشگاهها تشدید شده است. مثلا در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی (مجمع دانشکاهی ادبیات و علوم انسانی) دانشجویان را به هنگام ورود به دانشگاه بازرسی بدنی می‌کنند. بازرسی‌های عضو انجمن اسلامی دفاتر، کتابها، جیبها و حتی زیر مقنعه دانشجویان را نیز می‌گردند. کنترل دانشجویان در روزهایی که "اوراقی" در محیط دانشگاه مشاهده شود پیش از پیش تشدید می‌گردد. در همین دانشگاه علیرغم مدت‌ها مقاومت دانشجویان، در برابر مسئولین، پوشیدن مقنعه برای دانشجویان و استادان

زن اجباری شده است.

افزایش خودکشی

تشدید دم افزون فشارهای اقتصادی و اجتماعی از قبیل کرائی، بیکاری، اخراج و دیگر تحمیلات بغایت ارتجاعی رژیم، افق زندگی مردم را تحت سایه شوم و سیاه خود قرار داده و انواع بیماریهای اجتماعی را از قبیل خودکشی گسترش داده است. که نمونه‌های آن در مطبوعات رژیم به وفور یافت می‌شود.

بنا به اخبار رسیده تنها در سه محله شهر تبریز و تنها در چند روز اول اردیبهشت ماه ۲ مورد خودکشی صورت گرفته است. مورد اول نوجوانی بود که کمتر از ۱۵ سال سن داشت، دیگری دختر دانشجویی بود که در خیابان شمس تبریزی محله گرو-تویوخیچی زندگی می‌کرد. سومین نفر آموزگاری بود که از مشکلات تحمیلی به تنگ آمده بود.

انعکاس خبر خودکشی این افراد موجی از انزجار و نفرت مردم را علیه رژیم برانگیخت. اهالی تبریز بدرستی خمینی را مسبب اصلی مرگ این قربانیان می‌دانند.

تهران در باستان!

تهران، تهران بزرگ، تهران غبار گرفته و پر از دحام. تهران خسته اما همچنان زنده است. تکیده است اما همچنان پر غرور مانده است. لگدکوبش می‌کنند اما قلبش همچنان گرم و پرتپش است. تهران در باستان. خیل کزماگان سدهایی خرد پیش نیستند. تهران آتش زیر خاکستر است. (عکس از خبرنگاران اکثریت)



باران سیاه در تهران!

رسانه‌های دولتی اعلام کردند که روز چهارم اردیبهشت، در تهران باران سیاه پاریده است. در قطرات این باران سیاه، ذرات دوده و مواد سیاه رنگ بیوضوح دیده می‌شد. یک کارشناس علوم آزمایشگاهی علت سیاه بودن باران را وجود مقادیر زیاد گوگرد و فسفر در آن ذکر کرد. بدنبال بارش باران سیاه، سازمان هواشناسی از کلیه بیماران ربوی و قلبی درخواست کرد که حداقل ۲۴ ساعت از منزل خارج نشوند.

توقف واردات پنبه و الیاف مصنوعی

بدنبال نارسائی‌های جدی ارزی، دولت جمهوری اسلامی ناکزیر اقلام وارداتی خود را بشدت کاهش می‌دهد. کاهش واردات عمدتاً به کالاهای مورد مصرف عمومی مردم بازمی‌گردد. در پی کاهش شدید چند صد هزار تن گندم و برنج، وزیر کشاورزی طی گفتگویی با رسانه‌های گروهی رژیم، اعلام کرد که در

لازم به تذکر است که معاون صنعتی و بهره‌برداری وزارت صنایع، با اشاره به استمرار کاهش درآمد نفتی رژیم در سال جاری، و ناتوانی دولت در تامین ارز برای صنایع کشور وظیفه تامین ارز را بر عهده خود و احدهای تولیدی صنعتی نهاد.

اخبار کوتاه

* رادیوی دولتی جمهوری اسلامی اعلام کرد که موسوی نخست وزیر از گروه کارخانجات شیمیائی وزارت دفاع دیدن کرده است. اعلام این خبر بار دیگر به شایعات جدی تولید و انبار سلاحهای شیمیائی در جمهوری اسلامی، دامن زد.

* طی هفته گذشته حداقل ۵ کشتی دیگر در آبهای تنگه هرمز از سوی نیروی دریائی جمهوری اسلامی مورد بازرسی قرار گرفت.

* ولایتی وزیر امور خارجه، هفته گذشته به قصد ملاقات و گفتگو با وزرای امور خارجه لیبی و سوریه، عازم آن کشورها شد. رفیق دوست وزیر سیاه نیز ولایتی را در این سفر همراهی می‌کند.

سال ۶۵ پنبه و الیاف مصنوعی از خارج وارد نخواهد شد. وزیر کشاورزی نیز نظیر موسوی نخست وزیر کوشید تا قطع واردات پنبه و الیاف مصنوعی را نشانه حمایت دولت از پنبه‌کاران معرفی کند. لازم به تذکر است که قطع واردات پنبه و الیاف مصنوعی و کاهش چند هزار تنی گندم و برنج، در شرایطی صورت می‌گیرد که کوچکترین اقدام موشری در جهت بهبود وضعیت کشاورزی و افزایش تولید این اقلام بعمل نیامده است.

اعتراف به کاهش تولیدات صنایع فلزی

معاون صنعتی و بهره‌برداری وزارت صنایع اعلام کرد که تولیدات مجموع صنایع فلزی کشوری سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳، ۵ درصد کاهش یافته است. وی علت این کاهش تولیدی را، کمبودهای واحدهای صنعتی-تولیدی در زمینه‌های مختلف و بویژه کمبود ارز دانست. پیش از وی، محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز به رکود اقتصادی حاکم بر صنایع کشور بویژه در ماههای آخر سال ۶۴، اعتراف کرده بود.

است. رژیم جمهوری اسلامی نیز نشان داده است که در دادن امتیازات دلخواه امپریالیست‌های فرانسوی به اندازه کافی گشاده دست است.

رهبری سازمان مجاهدین خلق که پیش از این با اعتماد به نیروهای امپریالیستی و دست راستی، اساس روابط خارجی‌اش را بر مناسبات با آنان استوار ساخته و به امکاناتی که بدین طریق فراهم شده بود اتکا کرده بود، وحاضر نگردد به هتداهای نیک اندیشانه ما توجه نشان دهد، اینک موقعیت را دشوار و مبهم می‌بیند. در همه سالهای اخیر تبلیغات نشریه مجاهد حول این محور استوار شده بود که اینگونه نیروها اصلی‌ترین و در موارد بسیاری تنها پشتیبان خارجی‌شان بشمار می‌آیند. نشریه مجاهد کوشید به خوانندگان اعتماد به نیروهای امپریالیستی و دیگر محافل راست در کشورهای غربی و دولتها و رژیم‌های ارتجاعی منطقه را تلقین کند. لذا قابل فهم است که چرا اینک برای توضیح روندهای اخیر دچار وضعیت متناقضی شده است.

در چنین موقعیتی حرکت ناپخته‌دانه و غیر مسئولانه عده‌ای از هواداران اقلیت مبنی بر سوار شدن بر موج گرایش‌های راست و ضد خارجی در فرانسه که از سوی ارتجاعی‌ترین نیروهای این کشور ایجاد و دامن زده می‌شود، مستسک گردانندگان نشریه مجاهد قرار گرفته و همه آزرده‌گی و غضب خود را متوجه آنان ساخته‌اند.

اکنون با توجه به نتایج سو رویدادهای اخیر انتظار اینست که طراحان این درگیریها در سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) بن بست راهی را که در پیش گرفته‌اند دریافته و به وظایف خود در زدودن تنش پدید آمده عمل کنند. دامن زدن بر آن از هر چانه‌یی که باشد بیگمان بزیان مردم ماست رویدادهای اخیر هم چنین بار دیگر نشان داد که اتکا به نیروهای دست راستی و گرایش‌های ارتجاعی با هر نیتی که صورت پذیرد جز به نتایج شر به چیزی نخواهد انجامید. اکنون که رهبری سازمان مجاهدین از طریق اعلامیه ۴ اردیبهشت مسعودرجوی (البته خطاب به اقلیت) می‌پذیرد و اعلام می‌دارد که این نادرست است که بخواهیم "محافل افراطی دست راستی و نژاد پرست" به مردم ایران کمک نمایند، انتظار اینست که گامهای عملی در تصحیح مناسبات خارجی این سازمان برداشته شود در چنین صورتی بایبهره‌گیری از مناسباتی منطبق بر مصالح ملی می‌تواند بی‌هراس از زدو بندهای امپریالیستی یا جمهوری اسلامی به ادامه کاری مبارزاتی‌اش اطمینان داشته باشد.

این برای ما تاسف‌آور است. ما کوشیدیم و همچنان می‌کوشیم اقلیت را از این کج رویها باز داریم. تا آنان بتوانند با همه نیرو به تمامی وظایف مبارزاتی خویش بپردازند.

اظهار نظر پیرامون اینگونه روشهای اقلیت برای بسیاری از نیروهای مترقی ایرانی آسان است. اما این کار - هرگاه بخواهد منصفانه صورت گیرد - برای رهبری سازمان مجاهدین خلق آسان نیست. زیرا آنان نیز در خارج از کشور از همان روشهایی بهره می‌گیرند که اقلیت بکار

چند هفته اخیر تقریباً تمامی نیروی خود را به این ماجرا اختصاص داده‌اند. اگر چه مسعود رجوی، مسئول سازمان مجاهدین خلق طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۴ اردیبهشت از فعالین سازمان خود رسماً خواستار "بردباری و خویشستن داری" تا آنجا که امکان‌پذیر است" گردید، اما نه تنها هیچ نشانه‌ای دیده نشده است که عملاً این امری گرفته شود، بلکه پس از این نیز رهبری تشکیلات مجاهدین همچنان بر تشنج پدید آمده دامن زد و در موارد متعددی کوشید درگیریها را

در هفته‌های اخیر در بسیاری از شهرهای جهان کشاکش‌ها و درگیریهای شدیدی میان فعالین سازمان مجاهدین خلق و هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اقلیت) بروز کرده است. دانشگاهها و دیگر مجامعی که محل حضور و تبلیغ آنان می‌باشد، به عرصه‌ای برای کشاکش‌های حاد میان آنها بدل شده است. این امر تأییدی بی‌غایت منفی بر روی ناظرین ایرانی و غیر ایرانی نهاده و انزجار عمیقی برانگیخته است. بنا به اطلاعاتی که از طرفین تا کنون از این درگیریهای تاسف‌بار تعدادی مطرح و مضروب بر جای مانده است.

کشاکش‌های اخیر نقطه اوجی در مناسبات بر تنش میان اقلیت و مجاهدین است. تنش این مناسبات در پی بروز فاجعه گاپیلون در ۴ بهمن ماه سال ۶۴ و واکنش غیر مسئولانه رهبری سازمان مجاهدین در بهره‌گیری از این رویداد تلخ شدت گرفت. گردانندگان نشریه مجاهد در آن زمان که آشکارا از پدید آمدن این فاجعه شادمان بودند، فرصت را غنیمت شمرده و به طرح و تصفیه حسابهای کهنه با اقلیت پرداختند.

گام بعدی را اقلیت برداشت. تنی چند از هواداران این سازمان با حضور در شهرک فرانسوی اورسورواژ (محل اقامت رهبری سازمان مجاهدین خلق) اقدام به پخش اعلامیه علیه رهبری سازمان مجاهدین کردند که منجر به مقابله ژاندارم‌های فرانسوی و مجاهدین مستقر در محل با آنان گردید. تشکیلات اقلیت در خارج از کشور بلافاصله پیرامون این واقعه به جنجال آفرینی دست زد. رسانه‌های فرانسوی وابسته به محافل راست یا بهره‌گیری از این رخداد کوشیدند با تبلیغات ارتجاعی، نژادپرستانه و ضد خارجی زمینه تحمیل محدودیت‌های بیشتری را بر نیروهای مترقی ایرانی هموار سازند.

واکنش بعدی رهبری سازمان مجاهدین خلق بازم غیرمسئولانه و عصبی بود. نشریه مجاهد موج تازه‌ای از تبلیغات بر علیه اقلیت را آغاز کرد. و حتی بنحوی کاملاً سؤال برانگیز و به انتشار علنی عکس واسامی عده‌ای از فعالین اقلیت در فرانسه، دست زد. گردانندگان نشریه مجاهد در این دور از تبلیغات نیز همان فرهنگ و روش مدمومی را بکار گرفتند که تا کنون به سازمان مجاهدین آسیب بسیاری زده است و تأثیر بی‌غایت مخربی بر مناسبات آنها با دیگر نیروهای مترقی بجا نهاده است. علاوه بر این سازمانها و نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق در خارج از کشور بطور هماهنگ و همزمان کار زار گسترده‌ای علیه اقلیت بجا نمودند که با همان گستردگی تا به امروز ادامه دارد. طرفین در طول

پیرامون درگیریهای اخیر مجاهدین و اقلیت

می‌پندد. از ابتر نمی‌توانند رفتار خود را با اشاره به رفتار اقلیت توضیح دهند. بویژه نمی‌توانند توضیح دهند که از چه رو در قبال جریانات اخیر "بردباری و خویشستن داری" به‌خرج نداده و بدانگونه برخاشکرانه بدنبال حوادث براه افتاده‌اند.

این امر را می‌توان با توجه به موقعیت دشوار و حساسی توضیح داد که در ماههای اخیر برای رهبری مجاهدین در فرانسه پدید آمده است. رهبری سازمان مجاهدین خلق پدرستی (و یا تاخیر بسیار) نسبت به موقعیت آتی خود در فرانسه احساس نگرانی می‌کند. اما بنادرستی می‌کوشد القا نماید که پخش اعلامیه چند هوادار اقلیت در اورسورواژ نقش مهمی در پدید آمدن این وضعیت داشته است.

حقیقت اینست که اکنون مذاکرات میان امپریالیست‌های فرانسوی و رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده و حتی پیش از تحولات سیاسی اخیر در فرانسه به نتایج معینی انجامیده است. دولت فرانسه در مذاکرات با جمهوری اسلامی، برای گرفتن امتیازات هر چه بیشتر از موقعیت مساعدی بهره‌مند است که از جمله آنها حضور و استقرار رهبری سازمان مجاهدین در این کشور است. دولت فرانسه به رژیم جمهوری اسلامی تفهیم کرده است که واکنش خود را نسبت به حد حضور و تحرک سازمان مجاهدین خلق در فرانسه با میزان امتیازاتی تنظیم می‌کند که از جمهوری اسلامی دریافت می‌نماید.

در ماههای اخیر بدنبال افزایش قدرت نیروهای راست در فرانسه و در پی تحولات سیاسی اخیر گامهای بلندی در جهت ایجاد و گسترش مناسبات حسنه با جمهوری اسلامی برداشته شده

گسترش داده و هواداران خود را به درگیری با هواداران دیگر سازمان‌های مترقی بکشاند.

پیامدهای بی‌غایت سو آشوب‌های اخیر کاملاً روشن است. چه رهبری سازمان مجاهدین، و چه مسئولین تشکیلات اقلیت در خارج از کشور، اگر می‌خواستند به آسانی می‌توانستند بروز آنرا پیش بینی کنند. اینک که چند هفته از آغاز این حوادث سپری می‌شود، نتایج سو آن بوضوح پدیدار شده است. حتی طرفین این درگیری نیز انکار نمی‌کنند که بهره‌گیری این حوادث نه هیچ یک از آنها، که رژیم جمهوری اسلامی، ضد انقلاب مخلوب و ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی بوده‌اند. با وجود این تا کنون هیچ کوشش مسئولانه‌ای از جانب آنان در جلوگیری و یا کنترل آشوب صورت نپذیرفته است.

آنچه که بویژه در این میان سؤال برانگیز است تندی واکنش مجاهدین در قبال حرکت سنجیده هواداران اقلیت در اورسورواژ می‌باشد. این اولین بار نبود که اقلیت در خارج از کشور در طرح و حل اختلافات بانبروهای سیاسی دیگر از روشهای مذموم و نکوهیده بهره‌گرفته است. اقلیت در موارد پر شماری بایکارگیری اینگونه روشها، چنانچه پدید آورد که به توان جنبش انقلابی در خارج از کشور آسیب وارد نمود. تشکیلات اقلیت در خارج از کشور با حذف پخش مهمی از وظایف مبارزاتی خویش، همواره حجم قابل توجهی از توان تبلیغاتی خود را مصروف برخاشگری علیه نیروهای مترقی، علیه سازمان ما، حزب توده ایران، سازمان کارگران انقلابی، سازمان مجاهدین خلق و... نموده و یا صرف پرداختن به مسائل ناشی از انشعابات کرده است. البته

افشای معامله تسلیحاتی ۲/۵ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل:

بقیه از صفحه اول

فتح راه قدس به مدد اشغالگران قدس



نورترپ عضو آمریکایی باند تحویل اسلحه به رژیم خمینی

شرايطی که بدین منظور، وقیحانه می‌کوشند وانمود سازند جنگشان با عراق، ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی هم هست، و به قول خودشان "راه قدس از کربلاست"، "اشغالگران قدس" به کمک "فاتحین کربلا" تهاجمه اند! آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل، نه تنها بیشترین نفع را از ادامه جنگ توسط رژیم خمینی می‌برند، بلکه از منابع اصلی تامین اسلحه رژیم نیز هستند. رسوایی و فساداتی که این ماجرا برای حکومت فقها به بار آورده، بی‌شک خواب رابر آنها پریشان کرده است.

واشنگتن انجام داده است. سابقه این معاملات، به ۱۹۸۰ باز می‌گردد. در آن سال، پرده از تحویل لوازم بدکی فانتومهای اف-۴ از جانب اسرائیل به رژیم خمینی برداشته شد.

مطبوعات غرب از قول یکی از مقامات تل‌آویو نوشتند، "غیر ممکن است دولت ما از چنین معامله عظیمی، آن هم صدور اسلحه با کشتی، بی اطلاع باشد." (اشپیکل ۲۸ آوریل) همین هفته نامه انگیزه اسرائیل برای تحویل اسلحه به رژیم خمینی را جلوگیری از "به خواب رفتن" جنگ ایران و عراق و "ادامه تضعیف کشورهای مسلمان" دانسته است.

افشای معامله تسلیحاتی ۲/۵ میلیاردی جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، باردیگر بوجی همه ادعاهای ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی رژیم خمینی را نشان داد. بیهوده نیست که مقامات رژیم از افشای این ماجرا دستپاچه شده‌اند. در شرایطی که خمینی جنایتکار همه چیز را در خدمت جنگ تمام عیار با عراق قرار دهند، و در

معامله به باند آمریکایی - اسرائیلی است که خود خیانت بزرگی محسوب می‌شود.

ستون فقرات شبکه قاچاق اسلحه را شرکت اسرائیلی "بیت" و یک وکیل آمریکایی مقیم لندن بنام "ساموئل اونس" تشکیل می‌دهند. ۱۷ دلال، از جمله نورترپ، قاچاقچی آمریکایی معروف مقیم تل‌آویو، در این معامله شرکت داشتند.

قرار بود از ژانویه ۱۹۸۶، معامله در پنج مرحله صورت گیرد، بخشی از اسلحه‌ها از طریق ترکیه و فیلیپین و بخشی دیگر از طریق اسرائیل تحویل داده شود. سلاحهایی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار در انبارهای اسرائیل منتظر انتقال به ایران بود. این اسلحه‌ها شامل تانک، هلی کوپتر و هواپیما می‌شد. بخشی از این اسلحه‌ها کالای دست دوم ارتش اسرائیل تشکیل می‌داد. مقصد اقلام بزرگ، بندرعباس و مقصد اسلحه‌ها و ابزار کوچکتر، فرودگاه تبریز بود.



"پارآم"، ژنرال اسرائیلی و رئیس باند تامین اسلحه برای جمهوری اسلامی

هفته‌نامه "اشپیکل" چاپ آلمان فدرال می‌نویسد مأمورین مخفی اسرائیلی از ابعاد و اهداف معامله اطلاع داشتند. به نوشته این نشریه ژنرال "پارآم" رئیس باند در بازجویی تصریح کرد دولت اسرائیل از فعالیت و معامله او با رژیم خمینی اطلاع کامل داشته است.

دولت آمریکا وانمود می‌کند که اسرائیل معاملات اسلحه خود را با جمهوری اسلامی بر خلاف میل

دستگیری اعضای شبکه توسط پلیس آمریکا، بخشی از جنگ افزارها به جمهوری اسلامی تحویل داده شد.

برخی از اقلام مورد معامله، عبارتند از: دهها هواپیمای جنگنده اف-۴ و اف-۴۵، ۴۶ جنگنده - بمب افکن "اسکای هاک"، پنج هواپیمای سی-۱۳ هرکولس، ۱۵ هزار موشک "تاو" و ۶۰۰ موشک "چاپارل"، و ۲۰۰ موشک هدایت شده "مارویک"، مقادیری موتور تانک ام-۴۸، تعدادی هلی کوپتر و لوازم بدکی هواپیما.

همانگونه که رفسنجانی نیز در نماز جمعه گفته است، خارج کردن جنگ افزارهایی به این درجه از اهمیت و به این مقدار، بدون اطلاع و موافقت ضمنی دولت آمریکا امکان پذیر نیست. اینکه چرا مقامات آمریکایی پرده از این معامله برداشته و عوامل آن را دستگیر کرده‌اند، موضوع دیگری است که می‌تواند ریشه در عوامل گوناگونی، از قبیل اختلافات درونی محافل حاکم

آمریکا، مانورهای سیاست واشنگتن در قبال خاور میانه و غیره داشته باشد. آنچه مسلم است، در تمام طول سالهای اخیر معاملات این چنینی برای تامین اسلحه مورد نیاز رژیم خمینی برای جنگ با عراق صورت می‌گرفته و دولت آمریکا نیز کاملاً در جریان آن بوده است. کمک تسلیحاتی اسرائیل به کسانی که مدعیند می‌خواهند راه قدس را از طریق فتح کربلا بکشایند، نیز تازگی ندارد. آنچه بیسابقه است، ابعاد عظیم این معامله است. در حالی که صادرات نفت ایران عملاً قطع شده و رژیم در تهیه ارز با مشکلات جدی روبرو است، در حالی که صنایع کشور به علت بی پولی دولت تقریباً تعطیل شده است، رژیم جنایتکار خمینی تنها در یک مورد، ۲/۵ میلیارد دلار از ثروت مردم ایران را به کام انحصارات تسلیحاتی و دلالان اسلحه می‌ریزد. کل بودجه ارزی دولت برای سال ۶۵، در حدود ۱۶ میلیارد دلار پیش بینی شده بود اما در مجلس، خودنمایندگان رژیم اعتراف کردند درآمد ارزی، حتی اگر جریان نفت ادامه داشته باشد (که ندارد) و قیمتها پایین نیاید (که تا یک سوم پائین آمده است)، از ۱۶ میلیارد دلار برآنتب کمتر خواهد بود. نکته مهم دیگر، پرداخت ۲۵ درصد از مبلغ کل

روز جهانی کارگرو جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

عومفریبی می‌کردند. امسال از این گونه حرفها نیز خبری نبود. کارگران دیگر حتی از عومفریبی‌های رژیم نیز نصیبی نمی‌برند. این خود یک دستاورد مبارزه کارگران است. رژیم دریافته است که در رابطه با طبقه کارگر عومفریبی و وعده و وعید دادن خود مساله انگیز است. بر خشم و نفرت کارگران می‌افزاید. از این گذشته سرمایه‌داران چنان مهار کارها را در دست دارند که دیگر حتی وعده و وعید دادنها به کارگران را نیز نوعی بی‌حرمتی به ساحت سرمایه می‌دانند. تنها یک وعده برای کارگران کافی است، به جبهه بروید و کشته شوید! استثمار شوید و عرق جبینتان را باخون کشته‌گان در جبهه‌ها "همجوار" سازید. این رذالتها و وقاحتها تنها نفرت بیشتری را در مشت پولادین طبقه کارگر ایران انباشته می‌سازد. مشت که بی گمان پوزه حیوانی این رژیم خون آشام را در هم خواهد کوبید.

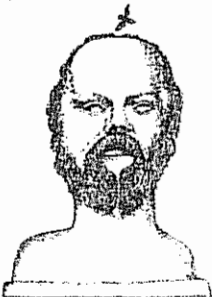
در مراسم سال گذشته خامنه‌ای رئیس جمهور سخنرانی کرده بود که واکنش کارگران به اجبار شرکت داده شده به او فهماند که دیگر نباید از این بی احتیاطی‌ها بکند لذا امسال کار شاق را به عهده کروی می‌نهادند. مقایسه مراسم حکومتی امسال با مراسم سال گذشته نشان می‌دهد که دیگر جمهوری اسلامی برای کارگران حتی چنته عومفریبی و وعده و وعید هایش خالی شده است. سال گذشته در چنین روزی همچنان در مورد فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران

اخبارات ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵
وزارت کار اعلام کرد
روز جهانی کارگر تعطیل نیست
وزارت کار و امور اجتماعی با صدور اطلاعیهای اعلام کرد: روز پنجمین ۱۱ اردیبهشت (روز جهانی کارگر) تعطیل نبوده و کلیه کارگران باید در محل کار خود حاضر باشند.
ضمناً مدیران واحدها موظفند تسهیلات لازم را از کارگاه جهت انتقال کارگران علاقمند به شرکت در مراسم روز کارگر مهیا سازند.

حکایات و روایات

فرزانی، جاودانه می‌کند. اما نه فقط فرزانی. شقاوت، پلیدی و گناه حتی بلاهت، کلیدی است که درهای تاریخ را به روی شخصیت‌ها، و حکایات و روایات زندگی‌شان می‌گشاید. از ورای قرن‌ها و هزاره‌ها، تنها میوه‌های جان‌های غنی نیستند که می‌مانند. سقراط و افلاطون و ولتر و مارکس و اینشتین و بیکن و جاردانه اند، اما نام نرون، لوسی چهاردهم، هیتلر، پهلوی و خمینی هم در تاریخ ثبت می‌شود. ددمنشی یا بلاهت این‌ها (یا هر دو توام با یکدیگر) از لطف و طراوت سرچشمه‌ای که خرد انسان، شعور پهن‌انور بزرگان اندیشه، بدان سرازیر می‌شود، نمی‌کاهد. چه بسا که برخورد فرزانی و سقامت، بر غنای تنها گنجینه‌ای که نمی‌میرد، بر غنای میراث معنوی نسل‌ها، بیافزاید.

بهره گرفتن از این گنجینه، هنگامی لذت بخش‌تر است که با حکایات و روایات نغز، پرمایه و گناه آمیخته باطن از زندگی فرزانتان همراه باشد. از این شماره، در صفحه "گوناگون" هر بار از دریچه روایاتی چند به زندگی فرزانتان می‌نگریم از فیلسوف بزرگ یونانی، سقراط آغاز می‌کنیم



سقراط

(۴۶۹-۳۹۹ قبل از میلاد)

سقراط آتن، فرزند یک مجسمه‌ساز و یک قابله بود. وی در اوآن جوانی دریافت که باید فیلسوف شود، و چون از فلسفه طبیعت سر در نمی‌آورد، خودش را آسوده کرد و گفت فلسفه طبیعت به درد بشر نمی‌خورد. پس، سقراط به علم اخلاق روی آورد.

سقراط برای آنکه دریابد انسان‌ها چگونه می‌زیند، به کاوش در زندگی خصوصی مردم علاقه نشان می‌داد. از این بابت پشت سر او چه حرف‌ها که نمی‌زدند!

یک بار که سقراط فردی را به سوال و جواب کشیده بود، به جای پاسخهایی که می‌خواست، لگدهای محکمی نوش جان کرد. یکی از شاگردانش از او پرسید چرا در برابر کتکی که خورده بود، واکنشی نشان نداد. سقراط گفت: "چرا باید عکس العملی می‌داشتم؟ اگر خری هم به من لگد می‌زد، از او شکایت نمی‌کردم."

☆

سقراط نیز مانند اکثر فلاسفه معاصر خود بر آن بود که فرزانتان باید قناعت پیشه کنند و از پوشیدن کفش خودداری ورزند. اما خود او، بارها به بازار می‌رفت و انبوه کالاها را تماشا می‌کرد. دوستی از او پرسید چرا وقتی چیزی نمی‌خرد، به بازار می‌رود. سقراط پاسخ داد: "از این بابت تعجب می‌کنم که چقدر چیزهایی که از آن‌ها بی‌نیازم، زیادند."

☆

سقراط در عرصه فلسفه، مخالف سرسخت جهان‌بینی ماتریالیستی بود. وی شناخت علمی از طبیعت را مغایر با اراده خدایان می‌دانست و هرگونه قانونمندی پدیده‌های طبیعی را منکر بود. ماتریالیست‌ها به سقراط می‌گفتند چگونه می‌تواند نمونه‌های فراوانی را که نادرستی نظرش را نشان می‌دهد، منکر شود. وی که در ضمن، از مسرید اخلاقش دل خونی داشت، پاسخ داد: دلیلش ساده است؛ چون بیست سال است که همسرگزانتیب هستم."

☆

یکی از شاگردان سقراط از او پرسید که باید از دواج کردیانه، وپاشخ شنید، "فرقی نمی‌کند. هر کاری کنی، بعد ایشیمان می‌شوی."

☆

گزانتیب همسر سقراط، وقتی فیلسوف را به جرم گمراه کردن جوانان به مرگ محکوم کردند، برای دلداری دادن به شوهرش به وی تلاک داد که به ناحق می‌میرد. سقراط برید: "دوست داشتی مرا به حق بکشند؟! "

يك ساندینیستو بکش!



مانده است که "سرخ خوب، سرخی است که مرده باشد!" زمانی منظور از "سرخ" بومیان آمریکا بود و اکنون منظور افراد برملت پهاخته‌ایست که بیوغ بندگی امپریالیسم را از کردن برافکنده است.

تی‌شرت جدیدی در آمریکا به بازار آمد آمده است. روی این تی‌شرت نوشته شده است: یک ساندینیستو بکش! این هم جزئی از تبلیغات ضد نیکار اگروه از سوی حکومت آمریکاست. این حکومت کاملا به این نظر وفادار

اسلحه آمریکا، برای فتح قدس و کربلا
از اسرائیل به حزب الله!

۶- فتح کربلا بدون اسلحه آمریکایی نمی‌شود.

۷- اسلحه آمریکایی را "از هر جایی" باید خرید (رفستجانی).

پس هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که با تحویل اسلحه آمریکایی توسط اسرائیل به خمینی، اشغالگران قدس می‌خواهند راه قدس را به روی رزمندگان اسلام بکشایند!

برای اینکه این کار هر چه زودتر صورت پذیرد، به حزب الله پیشنهاد می‌شود در کنار شعار "جنگ جنگ" این شعار را هم بدهند: اسلحه آمریکا، برای فتح قدس و کربلا، از اسرائیل به حزب الله!

لشکر ۴ نفره!

روزه دهها صدها لشکر به جبهه‌ها اعزام می‌شود. دهها لشکر؟! عجیب نیست؟ مثلا همین روز ۱۱ اردیبهشت اعلام کردند ۱۵ لشکر بسیج کارگری به جبهه اعزام شده است. برای این که بدانید اینگونه لشکرها چند نفره است به خبر نمونه وار زیر توجه کنید:

اخیرا امام جمعه چیرفت که از جبهه بازگشته بود عده‌ای از بازاریان این شهر را جمع کرده تا گزارش سفر خود به جبهه‌ها را به آنها بدهد. وی در این گزارش با ناراحتی گفت ما در جبهه از دیگران خجالت می‌کشیدیم. لشکرهای خیلی از شهرها بیشتر از ۱۰ نفر بود اما لشکر شهر ما فقط ۴ نفر آدم داشت!

این روزها رژیم جمهوری اسلامی سخت در تقلبات تا برای جبهه‌های جنگ نیرو گرد آورد. دیگر صحبت از داوطلب‌ها نیست. پشت سرهم طرح و مصوبه و آئین‌نامه و بخشنامه تنظیم و صادر می‌کنند تا از هر جایی و بهر ترتیبی که شد گوشت دم توپ فراهم شود. اکنون عده کثیری از جوانان (و حتی پیران) مشمول مقررات اعزام اجباری به جبهه شده و تحویل نیروهای مسلح گردیده‌اند. مادر عین حال رژیم در راستای تبلیغات جنگ افزوده و فریبکارانه خویش می‌کوشد این عده را هر چه انبوه‌تر و نامود سازد تا نشان دهد که گویا از قدرت بسیج برخوردار است. رسانه‌های رژیم ادعا می‌کنند که هر

امامزاده عیسی و جاده کمر بندی

در بهمن ماه سال ۶۴ در محله کشن شیراز ملاها و زمین خواران و بازاریان محترم از اعماق زمین (عق ۲ متری) یک امامزاده تازه کشف کردند. البته مردم ایران بعلمت کثرت روز افزون اینگونه اکتشافات، دیگر شماره گذاری آنها را کنار گذاشته و کار را به قضا و قدر سپرده اند! اما یک چیز را در باره اینگونه کشف معادن می دانند! و آن اینکه ابتدا یک نفر (مرشدی، سیدی، درویشی) خواب! می بیند که در نوک فلان تپه یا پخ بهمان دره یا وسط فلان محله یا چهارراه یک "امامزاده" درست و حسابی دفن شده و التماس و دعا دارد که "ترا به خدا بیایید مرا کشف کنید!" مقبره‌های، صحن و بارگامی، عزت و احترامی، آخر ما هم ناسلامتی امامزاده ایم!"

داستان این یکی هم درست مبینطوری شروع شد. ولی این بار معلمین و تجار محترم بازار فرصت نکردند یک سناریوی قوی برایش بنویسند. از ایفرو پتشان زود روی آب ریخت. قضیه از این قرار بود که در بهمن ماه طبق معمول امامزاده‌ای به خواب زنی فقیر آمد و گفت "من فلان کسم و در محله کشن مدفونم. سنگ قبرم همراه با یک خمره پر از سکه اینجاست، برو به حاج عطا (از واسطه‌های زمین بازی و زمین خواری) بگو بیاید و مرا کشف کند و روی مزار من یک بنای جالبی درست کند!" زن ساده دل شتابان نزد حاج عطا می‌رود و جریان را تعریف می‌کند ظاهراً حاج عطا پتنتهایی جربرزه امامزاده سازی نداشت. اما او برادری دارد بنام حاج حسن آقا، حاج حسن نجمی، ایشان از جمله آن تجار حسلان و محترمی بشمار می‌آید که در همه امور دست دارد. حاج آقا حسن متدین محلی یک پسرش فرمانده بخشی از سپاه پاسداران شیراز و پسر دیگرش مسئول گروه مقاومت محله کشن است.

حاج حسن با روحانی محل تماس می‌گیرد، بعد هم اداره اوقاف و روحانیون طراز اول شیراز به قافله حاج حسن می‌پیوندند و در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۸ همراه با لودر و بیل مکانیکی شروع می‌کنند به خاکبرداری. در وسط شلوغی و سروصدا لودر و بیل مکانیکی، ناگهان اعلام می‌شود که "سنگ قبر پیدا شد!" صدای صلوا کاشفین و رهگذرانی که برای تماشا ایستاده‌اند به آسمان بلند می‌شود، سنگ را در می‌آورند. روی آن مشخصات کامل (تاریخ، محل تولد، شماره شناسنامه...) امامزاده‌ای بنام عیسی نوشته شده و تاریخ ۱۲۲ هجری هم زیر آن حک شده. بعد از قریب صدقه رفتن های معمول، آن قطعه سنگ مبارک را طی مراسم ویژه‌ای که معمول حمل چنین سنگهای مقدسی است به اداره اوقاف حمل می‌کنند تا اقدامات

اداری و قانونی جهت ساختن معبد جدید صورت بگیرد. اما اداره مذکور متاسفانه مجبور است سنگ را به باستانشناسی بفرستد تا کارهای اداری اش کامل شود (بیچاره امامزاده‌ای که بیفتند در جریان فرطاس بازی ادارات دولتی!). اداره باستانشناسی هم که از همه جایی خبر بوده و با حاج آقاها هماهنگ نشده بود، تحقیقات و مطالعات روی سنگ قبر مکتوفه را به روال عادی انجام می‌دهد از این رو قلبی بودن آن را به دلایل زیر اعلام می‌کند.

۱ - خط قدیم روی سنگ قبرور برجسته بوده و حال اینکه خط این سنگ کنده و تراشیده شد.

۲ - جای ضربات چکش و قلم، تازه تازه است.

۳ - در ۱۲۲ هجری، اسلام هنوز در ایران رواج نداشته و پای امامزاده‌ها هنوز به شیراز باز نشده بود.

۴ - ائمه فرزندی بنام "عیسی" نداشته‌اند.

۵ - در آن زمان می نوشته‌اند "سنه" و بر این سنگ نوشته شده "تاریخ"

۶ - در آزمایشگاه تشخیص داده شد که این سنگ نه هزار و سیصد سال که همین تازگی زیر خاک دفن شده ... و

بله، به این ترتیب، امامزاده عیسی همچنان بی نام و نشان باقی ماند و از او معجزه‌ای به هم نپیوست. اما ببینیم قضیه از چه قرار بود. درست در محلی که ادعا می‌شد امامزاده عیسی در آنجا دفن شده، زمینهای عده‌ای از زمین خواران شیراز واقع است و از بد حادثه ملحق طرح شهرداری می‌بایست جاده کمر بندی در شرف احداث از آن محل بگذرد. طرح جاده کمر بندی طوری بود که در صورت احداث، بخش مهمی از زمین‌ها را می‌بلعید. زمین خواران و به نیابت آقای حاج حسن می‌خواستند مسیر جاده کمر بندی عوض بشود تا زمین‌هایشان نه میان جاده که در کنار آن قرار گیرد. انجام این کار به معجزه‌ای احتیاج داشت و برای معجزه هم امامزاده لازم داشتند. اما در کل مسیر جاده، امامزاده‌ای وجود نداشت تا معجزه کند. ولی چه پاک؟! کشف امامزاده که کار سختی نیست. برای مقابله با احداث جاده کمر بندی طرح احداث امامزاده عیسی ارائه شد اما از بد حادثه چنان شد که نوشتیم.

حالا زمین خواران در جستجوی طرحی تازه برای کشف امامزاده دیگری هستند که بتواند با معجزه خود مسیر جاده کمر بندی را کمی کج کند.

آزمیان نامه‌ها

بقیه از صفحه ۲

از کارمندان افتاد، وقتی به اودستور دادند که راهی جبهه شود، امتناع کرد و گفت من آمده‌ام اینجا کار کنم نیامده‌ام که به جنگ بروم به وی گفتند در این صورت باید استعفا بدهی. او در پاسخ گفت: استعفا نمی‌دهم. دوست دارم کار کنم اگر نمی‌خواهید کار کنم بیرونم کنید.

یکی از معلمین مدرسه راهنمایی که قرعه به نامش در آمد، به رئیس انجمن اسلامی گفت: من دو تا بچه دارم و به جبهه نمی‌روم. خود شما چرا نمی‌روی؟ رئیس انجمن اسلامی جواب داد: من ثون دو خانواده را باید بدم. معلم پرسید: بچه‌هایت را دوست داری؟ رئیس انجمن اسلامی گفت: آری دوست دارم به خاطر آن‌ها کار می‌کنم. معلم گفت: من هم بچه‌هایم را دوست دارم، اگر نترسم، لاید "رهبر شما" برای بچه‌هایم پدر می‌شود.

در یکی از ادارات شهر، کارمندان گفته‌اند اول باید رئیس برود. اگر او رفت ما هم پشت سرش راه می‌افتیم.

در بانک ملی به کارمندان گفته‌اند یا باید به جبهه بروید و یا نصف حقوقتان را کسر می‌کنیم. روز بعد از دستور العمل دولت در این مورد، همه کارمندان دخانیات تبریز دست از کار کشیده علاقه‌ای به کار نشان نمی‌دادند. از آن‌ها پرسیدم چرا ناراحتید؟ جواب دادند می‌خواهند ما را به جبهه بفرستند. آخر با ما می‌چهار هزار تومان چه کسی حاضر است خودکشی کند. آن‌هم معلوم نیست بعد از مرگ وضع بچه‌هایمان چه خواهد شد.

روز ۲۵ فروردین با زور دانش آموزان را برای راهپیمایی آورده بودند. نزدیک شده از یکی از آن‌ها پرسیدم کجا می‌روید؟ گفت نمی‌دانم. راهپیمایی است. سؤال کردم به چه مناسبتی؟ گفت: نمی‌دانم ما را در مدرسه به صف کردند و آوردند. گفتم مگر چهارم آبان است؟ پرسرک خنده‌ای کرد و گفت: لایه.

در جریان راهپیمایی در همین روز بچه‌ها را در مقابل سینما فرهنگیان جمع کرده بودند. یکی از بچه‌ها از صف بیرون آمده عکس‌های سینما را نگاه می‌کرد. ناگهان پاسداری با عجله به او حمله کرد و گفت برگرد توی صف. می‌خواهی فرار کنی؟ پرسرک گرچه ترسیده بود اما در برابر پاسدار که او را با زور به طرف صف هول

می‌داد، مقاومت می‌کرد. پاسدار گفت فردا حق نداری به مدرسه برگردی. از چند نفر از بچه‌ها پرسیدم پس چرا می‌گویید همه چیز داوطلبانه است؟ بچه‌ها گفتند: چه داوطلبانه‌ای. خفقان است. خفقان. مگر می‌گذارند حرف بزنیم.

در همین روز دانش‌آموزان مدرسه دخترانه "هاتف" را برای راهپیمایی به خیابان آورده بودند در میان راه آن‌ها را مجبور کردند کفن بپوشند. هنگامیکه کفن‌ها را می‌پوشیدند یکی از بچه‌ها جیغ کشیده، دیوانه‌وار فریاد می‌زد. او کفن را پرت کرده و گفت: من از کفن می‌ترسم. من از مرده وحشت دارم و هر چه دشنام بود نثار خمینی و دار و دسته‌اش کرد. بعد بیبشوف افتاد گویا دخترک تا روز بیست و هفتم فروردین همچنان در خانه بستری بوده است.

روز نوزدهم فروردین در یک حمله عمومی، چهارصد نفر را در خیابان‌های تبریز جهت اعزام به جبهه گرفتند. در روز بیست و سوم نیز هزار و سیصد نفر را در اطراف شهر دستگیر کردند. روز سی‌ام فروردین همه آن‌ها را که کودکانی هم در میانشان دیده می‌شدند به جبهه‌های مرگ فرستادند.

در مدارس راهنمایی بچه‌ها را با انواع نیرنگ‌ها راهی جبهه می‌کنند. در یکی از مدارس راهنمایی از جمله به شاکردانی که در شان ضعیف بوده است در کلاس اول گفته‌اند اگر به جبهه‌ها بروید بدون امتحان قبول خواهید شد. تعدادی از این بچه‌ها را روز سی‌ام فروردین عازم میدان‌های مرگ کردند.

در روز سی‌ام فروردین آخوندی، به همراه دو پاسدار به مدرسه "مهتر" واقع در خیابان مقصدیه تبریز رفت تا دانش‌آموزان را با فریب و حیله راهی جبهه کند. دانش‌آموزان فریب آخوندی و پاسداران را نخوردند و آن‌ها را هو کردند. آخوندی و پاسداران دست از یاد راز ترس مدرسه راترک کردند.

در جریان راهپیمایی روز نوزده فروردین، پسری به طور علنی در میان راهپیمایان علیه جنگ صحبت می‌کرد و افراد را به ترک راهپیمایی تشویق می‌کرد و قتیکه صف راهپیمایی به خیابان دارایی رسید. چند پاسدار که جریان را فهمیده بودند پرسرک را به یاد کتک گرفتند.

کلیه مستخدمین بهداشتی "نصف راه" تبریز را راهی جبهه‌ها کرده‌اند. در روز بیست و هفت فروردین صدای آژیر آمبولانس‌ها قطع نمی‌شد و مرتب زخمی و کشته به بیمارستان‌ها حمل می‌کردند."

بقیه از صفحه ۱۲

"صنعت اتمی" چاپ آلمان فدرال در دسامبر ۱۹۸۲ درباره رآکتور شوروی مدل "ر.ب.ام.کا ۱۰۰" که در چرنوبیل دچار سانحه شده، نوشت: "ایمنی کل این سیستم بسیار بالاست زیرا مراقبت و کنترل تک تک کاناها که افقی واقع شده‌اند، امکان‌پذیر است."

در سال ۱۹۸۵، اتحاد شوروی در وین موافقتنامه‌ای با سازمان بین‌المللی کنترل انرژی اتمی، وابسته به سازمان ملل، امضا کرد که به این سازمان اجازه می‌دهد نیروگاهها و رآکتورهای تحقیقاتی هسته‌ای اتحاد شوروی را کنترل کند. سازمان مزبور که ۱۱۲ کشور عضو آن هستند، از دولت شوروی فهرست کامل نیروگاههای هسته‌ای این کشور را دریافت داشت و از میان ۵۱ نیروگاه ۵ نیروگاه را برای کنترل منظم انتخاب کرد. مامورین این سازمان بین‌المللی، چهار تاپنج یارد سال از ۵ نیروگاه مزبور بازدید به عمل می‌آورند تا استفاده از سوخت اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز را کنترل کنند.

در مقابل سطح بالای ایمنی در نیروگاههای شوروی تاسیسات هسته‌ای کشورهای امپریالیستی پارها شاهد بروز سوانح بوده‌اند. یکی از بزرگترین حوادث هسته‌ای، در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۷۹ در نزدیکی شهر "هاریسبرگ" ایالت پنسیلوانیا آمریکا روی داد. طی این حادثه، هسته رادیوآکتیو رآکتور موسوم به "تری مایلز آیلند" ذوب شد. هشت کارگر با بخار رادیوآکتیو تماس یافتند. ۲۰۰ هزار تن از اهالی منطقه به مناطق دیگر منتقل شدند. در گزارش ۷۲ صفحه‌ای تنظیم شده برای سنای آمریکا، گفته شد مهمترین علل فاجعه عبارت بوده است از "فساد، تقلب و جعل". بعنوان نمونه، ۶۰ درصد چوشاران شاغل در عملیات ساختمانی نیروگاه هاریسبرگ را از میان نیروی غیر متخصص و با دستمزد اندک به کار گرفته بودند. طبق آمار دولت آمریکا، تنها در سال ۱۹۸۰، ۲۸۰۴ سانحه در نیروگاههای هسته‌ای ایالات متحده روی داد.

نمونه دیگری از بی‌اعتنایی سرمایه‌داری به سلامتی و ایمنی انسانها، نشت دائمی مواد رادیوآکتیو از تاسیسات اتمی "سلافلید" انگلستان است. از ۱۹۵۰ تا کنون، در این تاسیسات ۲۰۰ حادثه نشت به وقوع پیوسته است. اخیراً دو کارگر در سلافلید بر اثر نشت پلوتونیوم، آلوده شدند. سازمانهای حفظ محیط زیست اعلام کرده‌اند تاسیسات اتمی

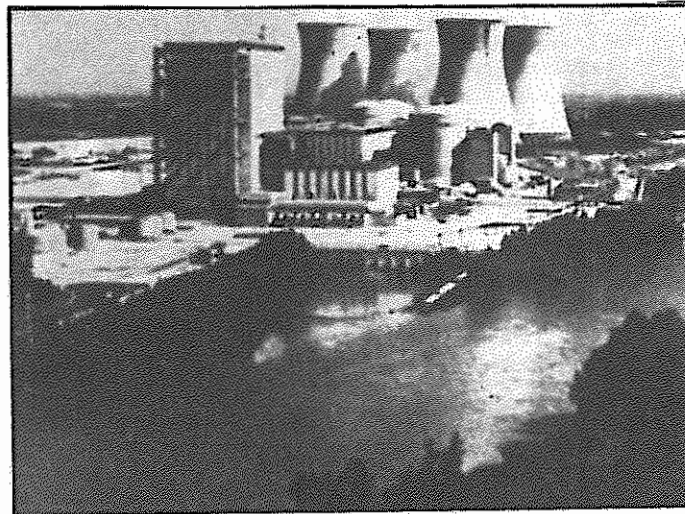
نخستین سانحه در یک نیروگاه هسته‌ای شوروی

اتحاد شوروی تشکیل شده است، در محل حادثه حضور یافته‌اند. در این ارکان، مسئولینی از وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای دولتی و دانشمندان و کارشناسان مشهور عضویت دارند. بلافاصله پس از انتشار گزارش

تاس، موجی از دروغ‌پراکنی در همه رسانه‌های گروهی امپریالیستی به راه افتاد. خبرگزاری یونایتد پرس از ۲۰۰۰ کشته "خبر" داد. برخی روزنامه‌های غربی نوشتند در چرنوبیل ۲۰ هزار تن قربانی سانحه شده‌اند! مطبوعات، رادیو و تلویزیون و دولت‌های امپریالیستی، رذیلتانه به سو استفاده از نگرانی مردم کشورهای اروپا از بابت انتشار مواد رادیو آکتیو پرداختند. حادثه اوکراین،

مذکور مسئول ۹۰ درصد آلودگی هسته‌ای همه اقیانوسهای جهان است. هفت‌نامه علمی "نیوساینست" چاپ انگلستان می‌نویسد سه چهارم مقدار تشعشع اتمی اروپای غربی از این تاسیسات انتشار پیدا می‌کند.

در آلمان فدرال نیز که مقامات آن پس از حادثه چرنوبیل وقیحانه خواستار "کنترل همه تاسیسات اتمی شوروی" شده و ادعا کرده‌اند نیروگاههای آلمان غربی مطمئن‌ترین رآکتورهای هسته‌ای را دارند، سیاه بلند بالایی از سوانح هسته‌ای وجود دارد در ۱۹ ژانویه ۱۹۷۵، در نیروگاه "گروند مینگن" دو کارگر بر اثر فشار بخارهای رادیوآکتیو، که از تاسیسات نیروگاه نشت کرده بود، کشته شدند.



تاسیسات نیروگاه سلافلید بریتانیا مسئول ۹۰ درصد آلودگی هسته‌ای همه اقیانوس‌های جهان است.

گزارش تحقیقی دانشمندان حاکی از آن بود که "تدابیر صرفه‌جویی" باعث این سانحه گردیده بود.

دروغ‌پراکنی دولت‌ها و رسانه‌های امپریالیستی

دولت شوروی به موقع، یعنی پیش از آنکه مواد رادیوآکتیو آزاد شده از نیروگاه چرنوبیل خطری برای کشورهای همسایه ایجاد کند، طی اطلاعیه‌ای از طریق خبرگزاری تاس وقوع حادثه را به اطلاع عموم رساند و اعلام کرد تدابیری برای برطرف کردن آثار سانحه در دست اجراء است. تاس افزود آسیب دیدگان مورد درمان قرار گرفته‌اند و یک کمیسیون دولتی مسئول بررسی سانحه شده است. اعضای این کمیسیون که به ریاست پاریس شچربینا، معاون رئیس شورای وزیران

نماینده اتحاد شوروی و نیز نماینده جمهوری اوکراین در سازمان ملل متحد، طی سخنرانی‌هایی در مجمع عمومی این سازمان، همه این دروغ‌ها را تکذیب کردند. نماینده شوروی اعلام داشت برای تشعشع زدایی در منطقه چرنوبیل، نیروهای ویژه با وسایل مجهز لازم مشغول کارند. وی افزود اتحاد شوروی تجهیزات و امکانات علمی و فنی لازم را برای برطرف کردن عواقب سانحه در اختیار دارد و نیازی به کمک سایر کشورها نیست. نماینده شوروی همچنین گفت در روز پنجمین دبیر کل سازمان ملل متحد رادر جریان عملیات مقابله با عواقب سانحه قرار داده است.

دولت شوروی اعلام کرد سانحه در یکی از اتاقهای بلوک چهارم نیروگاه به وقوع پیوسته است. بخشی از ساختمان رآکتور از بین رفته و خود رآکتور آسیب دید. در نتیجه، مقدار معینی مواد رادیوآکتیو نشت کرد. سه بلوک دیگر نیروگاه، از مدار خارج شده و فعلاً منبع ذخیره تولید برق هستند. اوضاع در نیروگاه و پیرامون آن رو به تثبیت است. اهالی شهرک اردوگاه و سه بخش اطراف آن تخلیه شده‌اند. میزان تشعشع اتمی تحت کنترل دائم است. آتش در رآکتور هسته‌ای خاموش شده است.

در تمام طول هفته گذشته، علیرغم جنجال آفرینی و دروغ‌پردازی رسانه‌های بورژوازی، میزان تشعشع اتمی در اروپا بسیار پایین‌تر از حد خطرناک برای انسان بود. ایستگاه‌های کنترل تشعشع هسته‌ای اعلام کردند این میزان پیوسته رو به کاهش است.

امپریالیسم، که مسئول کشته و مجروح شدن هزاران انسان بیگناه در بوپال هندو آسیب دیدن سالانه ده‌هزار تن دیگر و تخریب مدام محیط زیست بر اثر سود پرستی ذاتی سرمایه‌داری است، کوشید تا از سانحه چرنوبیل بیشترین بهره‌برداری را برای تحت الشعاع قرار دادن مسائل مهمی که جهان با آن دست به گریبان است، نمایند. دولت آمریکا که انفجارهای هسته‌ای آن دهها برابر میزان سانحه اوکراین اشعه اتمی انتشار می‌دهد، برای مردم اروپا که گویا در معرض تشعشع قرار گرفته‌اند، اشک تمساح ریخت. اما این همه، نخواهد توانست ماهیت ضد بشری امپریالیست‌ها و سیاست ماجراجویانه و خطرناک آنها را بپوشاند و تلاش پیکار اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسلیحاتی، منشا واقعی خطر اتمی برای بشر را تحت الشعاع قرار دهد.

سوریه : در برابر آمریکا عقب نخواستیم نشست

به دنبال تهدیدات ریگان علیه سوریه و تهدید وی مبنی بر تکرار تجاوز علیه لیبی در مورد این کشور، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در مصاحبه ای با تلویزیون شوروی گفت جمهوری عربی سوریه از منافع حیاتی، آزادی و استقلال خود در برابر آمریکا دفاع خواهد کرد. وی افزود سوریه و سایر کشورهایی که خود را از استعمار رهایی بخشیده اند، در مقابله با آمریکا عقب نخواهند نشست.

حافظ اسد خاطر نشان ساخت برتری طلبی آمریکا و تمایل اسرائیل به کشورکشی، ریشه های اصلی تشنج های منطقه خاور نزدیک است. رهبر سوریه تجاوز آمریکا به لیبی را شدیداً محکوم کرد. حافظ اسد گفت پیشنهاد های اتحاد شوروی برای حفظ صلح و خلع سلاح مطابق با تمایلات و منافع خلقهاست. وی افزود کشورش از پیشنهاد های شوروی برای حل مسائل خاور نزدیک پشتیبانی می کند و تاکید کرد این پیشنهادها، مطابق با پیشنهاد های کنفرانس سران عرب در فاس (سال ۱۹۸۱) است. رئیس جمهوری سوریه گفت وی برای مسائل خاور نزدیک جز تشکیل کنفرانس بین المللی تحت نظارت سازمان ملل متحده و با شرکت همه طرفهای ذینفع راهی نمی بیند.

امضای سند اتحاد عمل دو حزب کمونیست اسپانیا

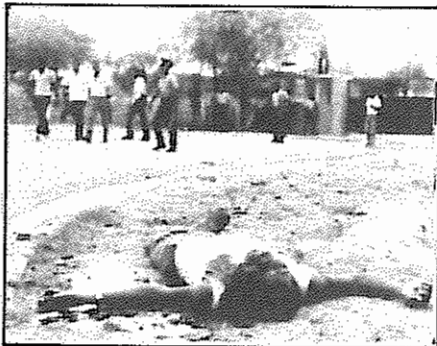
جراردو ایکسلیاس دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا و ایگناسیو کاپیکو، دبیر کل حزب کمونیست خلقهای اسپانیا، سه شنبه گذشته در مادرید سند مشترکی را که بنام دو حزب انتشار یافته است، امضا کردند. در این سند، هر دو حزب خواهان وحدت همه کمونیستهای اسپانیا در یک حزب شده اند. کمونیستهای اسپانیا به اشاره به تهدید صلح جهانی از سوی اعمال تجاوزکارانه امپریالیسم و خطر گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضاء بعنوان آلترناتیوی در برابر سیاست کنونی اسپانیا خواهان سیاست بیطرفی فعال، انحلال پایگاههای آمریکا در خاک اسپانیا و موحثگیری این کشور به سود صلح و ترقی شده اند. دو حزب کمونیست اسپانیا بر ضرورت سیاسی صورت گرفتن بحث سیاسی و ایدئولوژیک با شرکت همه کمونیستها و با هدف وحدت در یک حزب، تاکید ورزیده اند.

دو حزب کمونیست اسپانیا به اتفاق برخی شخصیت های جنبش چپ این کشور، برای تشکیل ائتلاف انتخاباتی برای انتخابات ۲۲ ژوئن پارلمان، به توافق رسیدند. پلاتفرم انتخاباتی مشترک که با نام "چپ متحد" انتشار یافته، از

سیاست صلح و بیطرفی جانبداری می کند. چپ اسپانیا، در این سند خواهان خروج این کشور از ناتو، لغو قرارداد نظامی با آمریکا و همکاری صلح آمیز با همه کشورها شده است.

اخبار کوتاه

* در روز شنبه ۲۶ آوریل، لاقول هشت تن از مردم هائیتی در جریان تیراندازی نیروهای سرکوبگر رژیم به تظاهرات اهالی "پورت اوپرنس" پایتخت هائیتی کشته و ۲۱ تن مجروح شدند. در این تظاهرات که برای تجلیل از خاطره قربانیان رژیم دوولیه انجام گرفت، ۱۰ هزار تن به سوی زندان "فوردینانز" راهپیمایی کردند، اما قبل از رسیدن صف تظاهرات به زندانی که حدود ۵۰ هزار تن در آن به قتل رسیده اند، واحدهای ارتش به روی راهپیمایان آتش گشودند. بدنهای این واقعه، شهر پورت اوپرنس شاهد ادامه تظاهرات و اعتراضات مردمی بود. عکس زیر، جسد یکی از کشته شدگان تظاهرات ۲۶ آوریل را نشان می دهد.



* کنفرانس سران هفت کشور بزرگ سرمایه داری (آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا و ژاپن) در توکیو گشایش یافت. تلاش ریگان رئیس جمهور آمریکا متوجه آن است که این اجلاس را به نفعی برای وادار ساختن متحدین و اشکنک به حمایت هر چه بیشتر از سیاست تروریسم دولتی خود تبدیل کند.

* شورای جهانی صلح به اجلاس خود در صوفیه پایان داد. در سند پایانی این اجلاس تاکید گردید محو همه سلاحهای هسته ای و سایر سلاحهای نابودی جمعی، وظیفه حیاتی و میرم بشریت بوده و در سالهای آتی، در فعالیت همه نیروهای صلحدوست، تعیین کننده خواهد بود. در این سند بر ضرورت جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به کیهان تاکید شده است. رامش چاندر در اجلاس صوفیه بار دیگر به عنوان رئیس شورای جهانی صلح برگزیده شد.

* در کابل مراسم بزرگداشت هشتمین سالگرد انقلاب شور بارژه نظامی و تظاهرات اقشار مختلف مردم برگزار شد. ژنرال نظر محمد، وزیر دفاع ملی جمهوری دمکراتیک افغانستان، در این مراسم با اشاره به دستاوردهای کشور در عرصه پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و دمکراتیزه کردن حیات اجتماعی، تاکید کرد نیروهای مسلح افغانستان همچنان با عزمی راسخ از انقلاب دفاع خواهند کرد.

* در شیلی بار دیگر ۶۰ تن که علیه رژیم پینوشه دست به تظاهرات زده بودند، دستگیر شدند. مرکز تظاهرات، شهر "وال پارائیزو" بود.

کارگران جهان صدمین سالگرد اول ماه مه را جشن گرفتند

اول ماه مه بود.

با طنین افکن شدن دهمین نوای ناقوس برج کرملین، مراسم اول ماه مه میدان سرخ مسکو آغاز شد. زحمتکشان در حالی که شعارهایی دایر بر تعهدشان برای اجرای مصوبات کنفره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی در دست داشتند، در دریایی از رنگها و پرچمهای درخشان، از میدان سرخ عبور کردند. در هاوانا بیش از نیم میلیون تن با شرکت در مراسم اول ماه مه عزم راسخ خود را برای ادامه مبارزه با امپریالیسم نشان دادند. در آفریقای جنوبی، نزدیک به چهار میلیون کارگر، به دعوت اتحادیه های کارگری و "جبهه متحد دمکراتیک" دست به اعتصاب زدند تا خواهان برچیدن رژیم

آپارتاید شوند. شهرهای بزرگ ژوهانسبورگ، دوربان، پرتوریا و کیپ تاون به کلی فلج شده بود. در شیلی یورش واحدهای پلیس به تظاهرات اول ماه مه، یک کشته بجای گذاشت. ۷۲۰ تن از تظاهر کنندگان دستگیر شدند. عکس، گوشه ای از تهاجم نیروهای سرکوبگر رژیم پینوشه به شرکت کنندگان در تظاهرات اول ماه مه را نشان می دهد.



در سراسر جهان، کارگران صدمین سالگرد اول ماه مه را با شکوه فراوان جشن گرفتند. در کشورهای سوسیالیستی، تلاش روزافزون برای شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی محور شعارهای مراسم روز مبارزه کارگران بود. در جهان سرمایه داری، بیکار برای حقوق کارگران و علیه یورش سرمایه، موضوع اصلی تظاهرات اول ماه مه را تشکیل می داد. در کشورهای رشد یابنده، مبارزه با امپریالیسم و برای افزایش نقش طبقه کارگر در این مبارزه، شعار اصلی اول ماه مه بود. در کشورهایی که دیکتاتوری سرمایه بر آنها حاکم است، کارگران برگزاری روز خود را با تجدید عهد در نبرد علیه حکومت ارتجاع عجین کردند. در همه کشورها، مبارزه برای صلح جهانی شعار

نامه سازمان دانشجویان پیشگام به اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

نخستین سانحه در یک نیروگاه هسته‌ای شوروی

بیشرفت علمی-فنی می‌تواند و باید در خدمت کار و تولید صلح آمیز قرار گیرد و نه در خدمت ساختن و انباشتن جنگ افزارهای نابودی جمعی. از سی سال پیش که تولید برق با استفاده از نیروی اتم آغاز شد، نیروگاه‌های هسته‌ای شوروی همواره مطمئن‌ترین نیروگاه‌های جهان بوده‌اند. در حالی که در کشورهای سرمایه‌داری، سوپرستی و بی‌اعتنایی به سرنوشت انسانها از سوی شرکت‌های تولید برق، بارها به سوانح ناشی از فقدان ایمنی در نیروگاه‌های هسته‌ای انجامیده است، در نیروگاه‌های صلح آمیز از کشورهای سوسیالیستی، در تمام طول مدت ۲۰ سال استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، سانحه‌ای رخ نداد. حادثه "چرنوبیل" که البته ابعاد آن گسترده است، نخستین سانحه از این نوع در نیروگاه‌های شوروی است. تا پیش از واقعه ۲۵ آوریل، نشریات غرب نیز معترف بودند که نیروگاه‌های شوروی از بالاترین سطح ایمنی برخوردارند. از جمله، مجله علمی بقیه در صفحه ۱)

در تاریخ جمعه ۲۵ آوریل، برای نخستین بار در کشورهای سوسیالیستی، سانحه‌ای در نیروگاه هسته‌ای "چرنوبیل" واقع در جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین، به وقوع پیوست. یکی از چهار رآکتور این نیروگاه، آتش گرفت و در نتیجه آتش سوزی، ۲ نفر کشته شده و ۱۹۷ نفر آسیب دیدند. از میان مجروحین، ۴۹ تن از بیمارستان مرخص گردیدند. از میان سایرین، ۱۸ تن دچار جراحات‌های سخت شده‌اند.

اتحاد شوروی، نخستین کشوری بود که درهای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را به روی بشریت گشود. یک دهه پس از فاجعه هیروشیما و ناکازاکی، که امپریالیسم آمریکا با پدید آوردن آن مرتکب جنایت هولناکی گردیده و مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای را آغاز نمود، نخستین نیروگاه اتمی شوروی وارد مدار تامین انرژی برق شد. اتحاد شوروی به جهانیان نشان داد که تکنولوژی هسته‌ای نیز مانند سایر دستاوردهای

شوند". همچنین اعلام شد که هر دانشجوی باید حداقل ۶ ماه را در جبهه بگذراند حضور در جبهه جنگ بعنوان بخشی از دروس اجباری تلقی خواهد شد.

همزمان با اقدامات مزبور عوامل دستجات وابسته به حکومت در دانشگاه به اشکال گوناگون به ایجاد جو رعب و وحشت پرداخته‌اند. آنان در شعارهای خود خواستار تعطیل کامل دانشگاه و اعزام همه دانشجویان به جبهه‌های جنگ شدند. در سال ۱۳۵۸ نیز که دانشگاه‌های ایران برای مدت سه سال بسته شدند و بیش از ۳۰ هزار نفر از دانشجویان به دلایل سیاسی از دانشگاه‌ها اخراج گردیدند از همین شیوه‌ها استفاده شده بود.

اعزام اجباری و با توأم با فریب به جبهه‌های جنگ از میان دانش‌آموزان مدارس حتی وحتنناکی دارد. در روز ۲۴ فروردین اکرمی وزیر آموزش و پرورش ایران بسیار مفتخرانه! اعلام کرد که در طول سال ۱۳۶۵ صد هزار دانش آموز به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند.

رژیم مرتجع و سرکوبگر جمهوری اسلامی نه تنها حقوقی چون آزادی، حق تحصیل، حق تشکل، حق تفریح و شادمانی و... را از جوانان ایرانی سلب کرده است بلکه حق ابتدایی زندگی کردن نیز در ایران مورد تعرض جدی این رژیم جنگ طلب قرار دارد. جوان ایرانی در هیچ لحظه حتی در کلاسهای درس از روبرو شدن با اعزام فوری به قتلگاه جبهه در امان نیست.

ما از شما می‌خواهیم برای دفاع از حق زندگی کردن، برای حفظ جان جوانان و دانشجویان ایرانی، برای مقابله باتوطئه تعطیلی دانشگاه‌های ایران با تمام توان اقدام نمایید. شایسته است از تمام اقدامات موثر و ابتکارات ممکن جهت مقابله با اقدامات و طرح‌های جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی ایران که جان مردم ایران و عراق و صلح جهانی را به خطر جدی افکنده است. سوجدست.

زنده باد صلح، دوستی

همبستگی ضد امپریالیستی

با گرمترین درودها

هیات اجرائیه

سازمان دانشجویان پیشگام ایران

از سوی سازمان دانشجویان پیشگام ایران در زمینه فوق نامه‌های جداگانه‌ای برای اتحادیه بین‌المللی جوانان دمکرات و بخش فرهنگی سازمان ملل متحد نیز ارسال شده است.

از سازمان دانشجویان پیشگام ایران به اتحادیه بین‌المللی دانشجویان موضوع، اعلام خطر نسبت به توطئه قتل عام دانشجویان ایران

جمهوری اسلامی ایران در تدارک جنگ بی‌معنای ایران و عراق و برای تدارک نیروی انسانی لازم جهت انجام ماجراجویی‌های جدید نظامی، طرح‌هایی جدیدی را برای اعزام اجباری تمامی دانشجویان به جبهه‌های جنگ تدارک دیده و در ماه آوریل رسماً اعلام داشته است.

سازمان دانشجویان پیشگام ایران، نیروهای پیشرو و مترقی جهان بویژه اتحادیه بین‌المللی دانشجویان را یکمک می‌طلبد تا برای نجات جان دانشجویان و جوانان ایران بیخاسته و با اینگونه طرح‌ها و اقدامات جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی ایران مقابله نمایند.

همانگونه که می‌دانید جنگ ویرانگر ایران و عراق اینک ششمین سال خود را می‌گذراند. این جنگ خطری، جدی برای صلح جهانی محسوب می‌شود. بازنده اصلی این جنگ خلقهای ایران و عراق و برنده آن امپریالیسم جهانی است. تاکنون بیش از ۷۰۰ هزار نفر از مردم دو کشور جان خود را در این جنگ از دست داده‌اند و بیش از یک میلیون نفر معلول، مجروح و یا مفقود گردیده و چندین میلیون نفر نیز آواره گشته‌اند. برقراری صلح فوری خواست مبرم مردم دو کشور ایران و عراق و همه نیروهای صلحدوست و ترقیخواه جهان است. اما بویژه رژیم جمهوری اسلامی ایران که تا کنون تمامی کوششها در مورد صلح را با بن بست مواجه ساخته است، هم‌چنان حملات خونبار نظامی جدیدی را تدارک می‌بیند. در این حملات از تاکتیک امواج انسانی استفاده می‌شود. برای رژیم حاکم بر میهن ما جان انسانها هیچگونه ارزشی ندارد.

اکنون این رژیم برای تامین نیروی انسانی جهت اعزام به جبهه‌های بدون بازگشت جنگ به دانشگاه‌ها و مدارس چشم دوخته است. اینک در هر دانشگاه یک "ستاد بسیج دانشگاهی" مرکب از نمایندگان ارگانهای مختلف در رابطه با امر جنگ و نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل شده است. سخنگوی "ستاد مرکزی بسیج دانشگاهی" در یک مصاحبه مطبوعاتی در روز ۱۹ فروردین ۱۳۶۴ اعلام نمود: "ادامه حیات دانشگاه عبارت است از حضور در جنگ. مجموعه دانشگاه باید وارد جنگ بشود... حتی آن افرادی که مخالف و بی تفاوتند نیز باید وارد خدمت به جنگ

جوانان با خرافه پرستی می‌ستیزند

وسائل و ابزارهای رژیم برای شستوی مغزی جوانان محسوب می‌شوند. رژیم جمهوری اسلامی مذبحخانه می‌کشد تا با تخدیر اندیشه جوانان، در اذهان پاک آنان، بدر شوینیس و عظمت خواهی مذهبی پاشیده و جوانان را قربانی مطامع تجاوزگرانه خود گرداند.

اکنون ابراز نگرانی ولیعهد خمینی از وضعیت اندیشه و زندگی جوانان کشور، بیانگر درماندگی رژیم در شستوی مغزی جوانان و نشانه تازه‌ای از بالندگی اندیشه‌های انقلابی و زندگی ساز در جوانان و ناشی از گسترش مردم فزاینده ستیز جوانان میهن با خرافه پرستی، که جمهوری اسلامی مظهر آنست، می‌باشد.

هفته گذشته حسینعلی منتظری جانشین خمینی در جمع گروهی از روحانیون غرب تهران و کرج رسماً از وضعیت فکری، نحوه اندیشیدن و زندگی جوانان ایلهان نگرانی کردی که آشکارا از رشد فزاینده شور مبارزاتی و اندیشه‌های انقلابی هراسان بود، از آخوندهای حکومتی خواست تا در باره جوانان بیشتر کار کنند.

ابراز نگرانی جدی منتظری در شرایطی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی برای تخدیر اذهان جوانان توان مالی و "معنوی" عظیمی را بکار انداخته است. زرادخانه جهل و خرافه رژیم خمینی در همه جا و همه زمان و همه احوال و به زور رادیو تلویزیون، منبر و... در بی‌مقابله با اندیشه علمی می‌باشد. تبلیغات لجام گسیخته ارتجاعی، خرافه پرستی و جنگ طلبانه در کارخانه و روستا، در مدارس و محیط‌های آموزشی از جمله

پیرامون درگیریهای اخیر

مجاهدین و اقلیت

در صفحه ۶

AKSARIYAT
NO. 10 5
MONDAY MAY 5, 86
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY